

پنج روالطاسیہ

ایوان دانش

دو قرن نوزدهم میلادی

تألیف

محمد محمود



پانچ رَواطِ سیاسی

ایران و انگلیس

در قرن نوزدهم میلادی

تالیف

محمود محمود

جلد چہارم - چاپ چہارم

حق چاپ محفوظ است



EQBAL

شرکت نسبی اقبال و شرکا،

فهرست مطالب جلد چهارم کتاب تاریخ روابط سیاسی

ایران و انگلیس

فصل چهل و هشتم
از صفحه ۱۱۷۰ تا ۱۳۰۹

اوضاع داخلی ایران تا قراردادنامه آخال - کنکره
 برلن بر قایت روس و انگلیس موقتاً در آسیای مرکزی خاتمه
 داد - شکست روسها در کنکره - برلن - حمله انگلیس بر
 افغانستان - فرار امیر شیرعلیخان از کابل و وفات او در بلخ - دولت انگلیس امیر عبدالرحمن
 خانرا با مارت افغانستان معین میکند - عملیات دولت انگلیس در ایران - در صدارت میرزا
 حسین خان سپهسالار تراکه همه ساله ایالت خراسانرا غارت میکردند - دخالت انگلیسها در
 بلوچستان و سیستان در زمان صدارت میرزا حسین خان سپهسالار - فتنه شیخ عبدالله -
 صاحب منصبان اطریقی در قشون ایران - ایجاد قزاقخانه - ورود ایران با اتحادیه پستی -
 قراردادنامه آخال -

فصل چهل و نهم
از صفحه ۱۳۰۲ تا ۱۴۱۶

عمال سیاسی و نظامی انگلیس و روس در آسیای
 مرکزی - کتابهایی که در این باب نوشته شده است -
 جاسوسهای روس در این ممالک - کتل استولیتوف مأمور
 کابل میشود - کتل کروودیکوف مأمور هرات - دکتر پاشینو جاسوس روس محرمانه
 به هندوستان میرود - شرح اقدامات این اشخاص - تصمیمات کنکره - برلن - شکست دولت
 محافظه کار انگلیس - دولت لیبرال انگلیس - صحنه جهانگیری انگلیس - عوض میشود - از
 آسیای مرکزی یوادی فیل - گرفتاری دولت انگلیس در روسیه - روسها از موقع استفاده میکنند
 پیش رفت روسها در ترکستان - تصرف مرو - امیر عبدالرحمن خان در هند - واقعه پنججده -

فصل پنجاهم
از صفحه ۱۴۱۷ تا ۱۴۶۰

عمال سیاسی دولت انگلیس در مرو و خراسان
 مبارزه دولین روس و انگلیس در ممالک آسیای مرکزی -
 تحریکات انگلیس در ترکستان - مأمورین نظامی انگلیس در
 این ممالک - روسها در نواحی شرقی بحر خزر - کاپیتان بوتلر انگلیس در میان ترکمنها مأموریت
 لوفتوزیان - عملیات اودونوان در ترکستان - اودونوان در طهران - اودووان در قوچان -
 عزل سپهسالار و اعزام او به عهد - اودونوان در نواحی خراسان - اودونوان در مرو - اودونوان

در لباس ترکمن - تراکه اودونوان را بنمایندگی پادشاه انگلیس قبول میکنند - عملیات اودونوان در میان تراکه - تغییر دولت انگلیس - قعون انگلیس از افغانستان میرود - اودونوان در مشهد با سیهسالار ملاقات میکند - اودونوان در طهران .

فصل پنجاه و یکم
اقدامات انگلیس در مرو و خراسان - مأموریت کنفل
 استوارت - استوارت در طهران با میرزا حسین خان سیهسالار ملاقات میکند - استوارت از مخیرالدوله و حمام السلطنه دیدن میکند - استوارت و صاحب‌نصیبان اطریشی و قزاق در ایران - مسافرت استوارت باصفهان استوارت از راه طبرس با تغییر لباس واسم عازم مشهد میشود - استوارت با اسم خواجه ابراهیم تاجر خریدار اسپم معرفی میشود - خواجه ابراهیم با اودونوان ملاقات میکند - خواجه ابراهیم در مشهد و نواحی خراسان - داستان او در ایالت خراسان - مأموریت‌های او .

فصل پنجاه و دوم
افغانستان و امیر عبدالرحمن خان - سیاست لرد -
 پالمراستون ولرد مالزبوری - قطر لرد بیگنترفلد برای تجزیه افغانستان - مذاکره با دولت ایران در این باب -

حمله انگلیس با افغانستان - تبید امیر یعقوبخان به هند - داستان انتخاب امیر عبدالرحمن خان با امارت افغانستان - شرایط حکومت انگلستان - موضوع هرات - امیر عبدالرحمن خان تمام شرایط انگلیسها را قبول میکند - ایوبخان سردار انگلیس را شکست میدهد و قندهار را تصرف میکند - شکست ایوبخان از لرد رابرتس - فرار ایوبخان با ایران - مرود در تصرف روس - کتاچای چالز ماروین - انگلستان برای حفظ افغانستان میکوشد - قضیه پنجه - سر خسرو عشق‌آباد در تصرف روس - کمیسیون سرحدی روس و افغان - ادعای روسها پشت دروازه هرات - تاریخ جنگ پنجه - جنگ افغان در روس - لرد دو فرین فرمانفرمای هند - امیر عبدالرحمن خان در هند - سقوط کابینه گلداستون - سالز بوری نخست وزیر - سنگر بندی هرات - مصلاهای هرات بدستور نظامیان انگلیس خراب میشود - دشمنی عبدالرحمن خان با ایرانیان - ناحیه هشتادان - مرگ عبدالرحمن خان - نامه امیر عبدالرحمن خان بفرمانفرمای هند وستان .

فصل پنجاه و سوم
سیاست عمومی انگلیس - ضعف افغانستان برای هند -
 سیاست گلداستون در مصر - گلداستون با روسها مدارا میکند - سیاست مخالف با دولت عثمانی - سیاست انگلیس در ایران - ایجاد روابط دوستی با ایتالیا و آلمان و اطریش - سر دولت فرانسه در مصر کلاه گذاشت - روسها در ترکستان مشغول کار خود شدند - وضع سیاست آن روز اروپا - کوشش انگلیس برای تصرف مصر - اسمیل پاشا و مشکلات مالی او - اصلاحات اسمیل پاشا در مصر - ریاض پاشا و نویر پاشا - عزل نویر پاشا نخست وزیر مصر - عمال خارجی دولت مصر را اداره میکنند - توفیق پاشا ولیعهد مصر - دست اسمیل پاشا از دخالت کوتاه میشود - ملت مصر - ریاض پاشا و سیاست او - اقدامات ملیون مصر - سیاست انگلیس در مصر - شرح این داستان - گلوله باران کشتی‌های جنگی باسکندریه - تصرف اسکندریه - اقدامات انگلیس پس از تصرف اسکندریه - دست فرانسه از مصر کوتاه میشود - ملیون مصر تحت فرماندهی اعرابی پاشا از انگلیسها

شکست میخورند - تصرف قاهره - توفیق پاشا خدیو مصر اعلان میشود -

فصل پنجاه و چهارم
از صفحه ۱۴۳۰ تا ۱۴۶۸
مرو و تصرف آن - روسها بوعدههای گلداستون خوشنود بودند - روسها استانبول را مال خود میدانستند - روسها در ترکستان - لاسار مهندسی روس داستان تصرف مرو و مازندران و اقدامات روسها - علیخان اوف و تصرف مرو - کتاب پروفیسور وامبری - عمال سیاسی انگلیس در ترکستان - نگرانی دولت انگلیس - انگلیسها برای رفع اختلاف بین روس و افغانستان دخالت میکنند - جنرال سرپترگوزن - انگلیسها برای هرات استحکامات تهیه میکنند - علاقه انگلیسها بمرو - مسافرت لرد کرزن بترکستان -

فصل پنجاه و پنجم
از صفحه ۱۴۶۹ تا ۱۵۰۴
اهمیت هرات در نظر دولتین روس و انگلیس - هرات مرکز سیاست روس و انگلیس - رفتار امیر عبدالرحمن خان یا سکنه هرات - برای جدایی هرات از ایران دولت انگلیس پنجاه سال رنج برد - روسها در دروازه هرات - کوششهای ماروین - وامبری - کرزن - نقشه تصرف هندوستان - موقیبت هرات - نظریات رجال لشکری انگلیس در باب هرات - نقشه کامل هرات دست روسها - در این تاریخ وامبری برای انگلیسها دلسوزی میکند - وامبری گوید انگلیسها بد رفتاری با عالم اسلام را از روسها آموختند - وامبری دشمن سرسخت ایران بود - به نظر وامبری منافع روسها ترکمنها را گمراه کرده است - راه آهن ترکستان - گلداستون خود را برای جنگ با روسها آماده میکند - لرد کرزن در ترکستان - نظریات کرزن -

فصل پنجاه و ششم
از صفحه ۱۵۰۵ تا ۱۵۴۰
ایران در صدد ارتعاش میرزا علی اصغر خان امین السلطان - اوضاع دربار ایران - دوره سلطنت ناصرالدین شاه اهمیت ایران در افکار خارجی - صفات رجال درباری - اهمیت ایالت خراسان - تقاضای دولتین روس و انگلیس برای ایجاد قنصلگری در خراسان ماولین اقدام قونسول جنرال انگلیس در مشهد - موضوع هشتادان - گزارش جنرال قونسول انگلیس - اختلاف ایران و افغانستان - حکمت دولت انگلیس در هشتادان - امین السلطان - شرح حکمت درباره جنگ هشتادان - امتیاز کشتی رانی در رود کارون - تبعیض کرزن از زیادی نفوذ انگلیس در ایران - فرمان اجازه کشتی رانی در رود کارون - دوستی ولف یا اتابک - امتیازاتی که ولف از اتابک بفرست آورده - روسها از روابط نزدیک ایران و انگلیس متوحش میشوند - مقایسه اعمال اتابک با اعمال سپهسالار - مکاتبه دولتین روس و انگلیس در باب ایران - تکرار وقایع دوره سپهسالار - اتابک رل سپهسالار را بازی میکند -

فصل پنجاه و هفتم
از صفحه ۱۵۴۱ تا ۱۵۶۳
تکرار دوره قهر از حسین خان سپهسالار - برنامه اتابک با برنامه سپهسالار یکی است - امتیاز بارون جولوس رویتر - امتیاز وانحصار تنباکو و توتون - امتیاز تأسیس بانک شاهی - امتیاز مصادف - اجازه نشر اسکناس - ایجاد راه شوسه - امتیاز کشتی رانی رود کارون - نظریات لرد کرزن و جامع باین امتیازات - میرزا یحیی خان مشیرالدوله کرزن از شرط السرب

و خوزستان بحث میکند - مسافرت شاه به لندن - کسانی که شاه را باین مسافرت تشویق کردند - شاه و سفرنامه خود - شاه در تبریز - در تفلیس - در مسکو - در پترز بورگ - پذیرائی در ورشو - برلن - هلند - بروکسل - بندر انورس - شاه در انگلستان - ملاقات با ملکه انگلستان - با لرد سالز بوری - شاه مهمان لرد رئیس شهر داری - پیامیچ مهمانها - شاه در جزیره وایت - نشان الماس از طرف ملکه پشاه هدیه میشود - شاه در مونیخ - ملاقات با سید جمال الدین - ماموریت سید بندر بار امپراطور روس - شاه در وینده مهمان فرانسوا ژرف - ورود شاه بطهران .

فصل پنجاه و هشتم

از صفحه ۱۵۶۵ تا ۱۵۸۱

وقایع ایران بعد از ورود شاه بطهران

در سفرنامه موضوع سیاسی دیده نمی شود - این همه تحلیل

از شاه برای چه بوده - سوابق امر - کابینه گلداستون و کابینه

لرد سالز بوری - با ورود سر هنری درو موندولف سیاست در ایران عوض شد - اختلاف دولتین روس و انگلیس - اهمیت ایران در نظر انگلیس - تعلق لرد سالز بوری - ستایش از دوستی با ایران - این سیاست دوامی نکرد - علت آن - لرد کرزن از مسافرت شاه بلندن صحبت میکند - کرزن سیاست دولت انگلیس را نسبت با ایران شرح میدهد - از شهر بار ایران تعریف میکند - ملاقات کرزن با شاه در طهران - کرزن از امتیازات صحبت میکند - ملکم و امتیاز لاتار - لغو امتیاز لاتار - امتیاز رامشوسه طهران و اهواز - امتیازات این ایام - گزارش میرزا عباسخان قوام الدوله بشاه .

فصل پنجاه و نهم

از صفحه ۱۵۸۲ تا ۱۶۴۰

امتیاز رژی یا انحصار تنباکو و توتون - کسانی که در

این موضوع مطالبی نوشته اند - لرد کرزن - ناظم الاسلام

کرمانی - پروفیسور برتون - دکتر فوریه فرانسوی - تنباکو

در دوره سلاطین صفوی - نظر کرزن در باب این امتیاز - مواد ۱۰ گانه امتیاز - مازور تالیوت -

حکم تحریم - هیجان سکنه تهران - شلیک تفنگ در ارك - عهد الملک و میرزا عیسی وزیر

در حضور میرزای آشتیانی - الفای امتیاز - خسارت کمپانی - میرزا علی اسفر خان اتابک

فصل دوم تاریخ انقلاب ایران - برتون و امتیاز رژی - کتاب دکتر فوریه میرزا علی اسفر خان

اتابک در سفارت روس - پانصد هزار لیره خسارت کمپانی رژی - موضوع در پارلمان انگلیس -

رساله اعتماد السلطنه .

فصل چهل و هشتم

اوضاع داخلی ایران تاقرارنامه آخال

کنگره برلن بر قابت روس و انگلیس موقتاً در آسیای مرکزی خاتمه داد - چرا روسها در کنگره برلن شکست خوردند - دست دولت روس از افغانستان کوتاه شد - دولت انگلیس بر افغانستان حمله کرد - امیر شیرعلیخان از کابل فرار کرد و در شهر بلخ وفات نمود - دولت انگلستان امیر عبدالرحمن خانرا در امارت افغانستان برقرار کرد - عملیات دولت انگلیس در ایران سال ۱۸۷۳ میلادی با سال ۱۲۹۰ هجری قمری - در زمان صدارت میرزا حسینخان همه ساله تراکمه ایالت خراسان را غارت میکردند - در تمام مدت صدارت میرزا حسینخان صاحب منصبان انگلیسی نمیتوانستند به خاک افغانستان وارد شوند - مکگریکور را از هرات تبعید کردند - دخالت انگلیسها در بلوچستان و سیستان در زمان صدارت میرزا حسینخان - فتنه شیخ عبیدالله - توضیحات بیشتری راجع بصاحبمنصبان اطریشی و ایجاد قزاقخانه در طهران - ورود ایران باتحادیه پستی - قرارداد سرحدی آخال

کنگره برلن در سال ۱۸۷۸ میلادی - برابر سال ۱۲۹۶ هجری قمری - موقتاً بر قابت دولتی روس و انگلیس در ممالک آسیای مرکزی خاتمه داد - در این کنگره پایه دشمنی بین آلمان و روس گذاشته شد باین معنی که روسها کاملاً دانستند که پروس بزماریه

برای خاطر انگلیسها روسیه را از ثمر فتوحات خود در بالکان محروم نمود . چرا این مارک
 یا ایجاد یک چنین دشمنی بین آلمان و روس راضی شد ؟ علت آن این بود که از انتقام آینه،
 فرانسه وحشت داشت و میخواست دولت انگلیس را بطرفداری آلمان جلب کند. غافل از
 اینکه گامبتا از رجال نامی فرانسه قبلا نقشه اتحاد فرانسه و انگلیس را کشیده و قرار
 اتحاد فرانسه و روس را برای جنگ آینه که بین فرانسه و آلمان واقع میشد صورت
 داده است. نقشه ای که گامبتا کشیده بود ایجاد یک اتحاد سمیانه بین فرانسه و انگلیس
 و روس بود و بر حال فرانسه توصیه میکرد که در عملی نمودن این نقشه سعی باشند
 میگفتند و قتی که این اتحاد عملی شد آن روز انتقام ملت فرانسه از آلمان است . دولت
 اطریش نیز در این تاریخ از دولت روس نگرانی داشت زیرا هر دو دولت در مسائل بالکان
 در این تاریخ ذینفع بودند .

برای اینکه دولت اطریش در تعقیب این سیاست طرفداری داشته باشد آن دولت
 نیز بطرف انگلیسها متمایل شد. اما دولت عثمانی وی نیز خود را در مقابل روسها ضعیف
 میدید . در این تاریخ از راه استیصال خود را بدامن انگلیسها انداخت و با چن و دل
 مقدرات خود را با انگلیسها سپرد .

اما دولت یونان و روسها انگلیسها از تمام این مسائل بهتر از سایرین آگاه بود و
 تمیز میداد که موقع استفاده از اوضاع آن ایام اروپا برای او رسیدماست و باید بطور کامل
 از آن برخوردار گردد .

در این تاریخ دولت انگلیس با خود روسها که رقیب یکدیگر بودند قرارداد سری
 داشت . با دولت اطریش که رقیب روسها بود قرار داد سری داشت و با دولت عثمانی هم
 کاملا متحد و خود را حامی آن دولت معرفی نموده بود . همچنین رضایت پرنس بیژمارک
 را هم قبلا جلب کرده بود که در کنگره بفتح دولت انگلیس عمل کند . در آخر کنفرانس
 نیز جزیره قبرس را با کمال سادگی تصاحب نمود و آنرا جزء ممالک وسیع امپراطوری
 بریطانیا قرار داد .

تا اینجا مربوط به کنگره بود که روسها را محدود نمودند و دست آن دولت را
 از افغانستان کوتاه کردند. در نتیجه دولت انگلیس آزادانه بدون اینکه از روسها ملاحظه ای

کند بافغانستان حمله کرد و با مارت امیر شیرعلیخان خاتمه داد و با آن شرحی که گذشت امیر عبدالرحمن خان را آورده در امارت افغانستان برقرار نمود .

اینک عملیات دولت انگلیس در ایران .

از سال ۱۸۷۰ میلادی (مطابق سال ۱۲۸۷ هجری قمری) یوسائلیکه دولت انگلیس

۱۰۰ ام ان داشت میرزا حسینخان را تقویت نمود و ماه به ماه بترقیات او افزود تا اینکه در

۱۰۰ ال ۱۲۸۸ هجری قمری او را بمقام صدارت رسانید ، وی برشته

رفت و دولت انگلیس با رضایت میرزا حسینخان سپهسالار

بر تمام نواحی ایران . شد . یعنی ناصرالدین شاه بود میرزا حسین خان سپهسالار

بود ، در بار و هیئت دولت همه بودند و ولی فکر . نقشه و عمل در دست عمال دولت انگلستان

قرار داشت . پس از آنکه بدسایس و حیل بر نصف بلوچستان دست یافت و قسمت مهم

ایالت سیستان را از ایران جدا کرد ، قرارداد رویت را که تمام منابع ثروت ایران بوسیله

آن قرارداد برای دولت انگلیس مسلم میشد ، با امضاء شاه و وزراء دولت علیه رسانیده

و پس از آن شاه و صدراعظم را بلندن کشانید .

قرارداد گرانویل و گورچاکوف

در ماه فوریه سال ۱۸۷۳ برابر سال ۱۲۹۰ هجری قرارداد معروف گرانویل و

گورچاکوف با امضاء رسید . در این قرارداد صدراعظم روسیه پرنس گورچاکوف تعهد

کرده بود که مملکت افغانستان از دایره نفوذ دولت امپراطوری روسیه خارج میباشد .

مقارن همین ایام نیز شاه ایران با صدراعظم خود با هزار امیدواری که از مساعدت دولت

انگلیس انتظار داشتند وارد لندن شدند .

در لندن میرزا حسینخان از این قرارداد مسبوق شد و بوزیر امور خارجه انگلستان

مراجعه کرد و نامه رسمی نوشته سؤال نمود ، در جواب ، ارل گرانویل ایجاد

مناسبات حسنه بین دولت انگلیس با دولت امپراطوری روس را بصدر اعظم ایران کتباً

متذکر میشود در ضمن با توصیه میکند بهترین راه صواب برای دولت ایران این است

بهر دولت صمیمانه انجام دهد . همین جواب باعث باعث یا سرد

نامیدی شاه و صدراعظم ایران میشود و در ضمن مقام صدراعظم نیز مترسزل میگردد ، چنانکه در فصل ۴۳ گذشت بمحض ورود بایران میرزا حسین خان از مقام سنارت برکنار میشود .

این واقعه مصادف میشود با ورود قشون روس بمملکت خیوه و تصرف آن در ماه اوت ۱۸۷۳ میلادی واقع گردید . در واقع قرارداد گورچاکوف و گرانویل فقط برای شش ماه دوام داشت یعنی از ماه فوریه تا ماه اوت سال ۱۸۷۳ .

جواب گرانویل به سؤال میرزا حسین خان سپهسالار در اواخر ماه جولای همان سال بود فاصله بین این تاریخ با تاریخ ورود قشون روس بمملکت خیوه تقریباً میتوان گفت یکماه باشد، بمیزان مدت مسافرت شاه در آن ایام از رشت به طهران . همینکه قشون روس خیوه را تصرف در آورد و دولت انگلیس از این واقعه آگاه شد دوباره مقام میرزا حسین خان تثبیت شد از رشت احضار گردید بمقامات بالاتر با اختیارات زیادتر نائل گردید .

باز دیده میشود در قلیل مدت شاه و صدراعظم در نظر دولت انگلیس اهمیتی پیدا کرده مورد عنایت واقع میشوند. (۱)

(۱) سر کوراوولی که داستان او در جلد اول صفحه ۱۹۴ تاریخ روابط سیاسی گذشت . این مأمور سیاسی دولت انگلیس در سال ۱۸۱۵ در شهر پترزبورگ بود در آن ایام نیز کشور ایران در نظر انگلستان اهمیت خود را از دست داده بود سر کوراوولی هم مأموریت خود را در ایران انجام داده عازم انگلستان بود و عقیده قطعی خود را نیز بدولت انگلیس رسماً اطلاع داده بود؛ چون ناپلئون بجزیره آلب تبعید شد و سرحدات هندوستان تأمین گردید و خطری متوجه آنها نیست. بهتراست ایران در همان حال توحش و بربریت باقی بماند .

در همین ایام که هنوز سر کوراوولی از پترزبورگ حرکت نکرده است خبر حرکت ناپلئون از آلب منتشر شد سر کوراوولی متوحش شده فوری نامه‌های محبت آمیز بشاه و عباس میرزا نایب السلطنه می نویسد و از آنها خواهش میکند نسبت بدولت انگلیس لطف و مرحمت داشته باشند .

عقیده و ایمان میرزا حسین خان سپهسالار نسبت بدولت انگلیس کامل بود این مرد سیاستمدار خود روی ایرانی بطور کلی دلپاخته دولت برطانیای کبیر بود بعقیده او ترقی مملکت و سعادت ملت ایران در اتحاد بادولت انگلیس است . من سعی بسیار نمودم بدانم این حسن ظن و ایمان و عقیده سپهسالار از کجا سرچشمه گرفته و دلالت آن چه بود ، درچه تاریخ و در کدنام مورد و لوخیلی کوچک و مختصر هم باشد سیاست دولت انگلیس نسبت بایران مساعد بوده و ملت ایران از کمک و مساعدت دولت انگلیس برخوردار شده است در جایی اثری نیافتم ؟ برعکس آنچه ایران داشت میرزا حسین خان سپهسالار با کمال حسن نیت در طبق اخلاص نهاده بانگلیسها تسلیم کرد در این جا باید گفت هدیه کرد ! اقلاً این اندازه هم مساعدت نکردند بغارت گران تراکمه که محرک اصلی آنها عمال نظامی و سیاسی انگلستان و حکومت هندوستان بودند بآنها یگویند عجباً! در دوره زمامداری سپهسالار از قتل و غارت ایالت خراسان صرف نظر کنند .

در صفحات تاریخ منتظم ناصری و مرآت البلدان جزو اخبار این ایام میخوانیم در ایالت خراسان تراکمه مرتکب چه شرارتها و قتلها و غارتها شده اند. (۱)

در همین تاریخ که میرزا حسین خان سپهسالار ناصرالدین شاه را در اروپا مشغول داشته بود عمال سیاسی انگلستان در خلیج فارس مشغول بودند با شیوخ قبائل عرب اتباع ایران داخل در عقد قرارداد با دولت انگلیس بشوند. (۲)

میرزا حسین خان سپهسالار ایالت خراسان را کمالاً در اختیار عمال سیاسی دولت انگلیس قرار داده بود عده زیادی از صاحب منصبان نظامی انگلستان با حکومت هندوستان مدام در آن ایالت در گردش بودند .

(۱) لرد کرزن گوید تراکمه اسبهای خودشانرا با علامت اسبهای قشونی انگلیس داغ میکردند .

(۲) هنگامیکه بشرح تاریخ عملیات دولت انگلیس در خلیج فارس شروع کنم در این باب مفصل بحث خواهم نمود . لرد کرزن در جلد دوم کتاب معروف خود شرحی مشروح از سیاست دولت انگلیس در خلیج فارس بحث میکند . سرواقتاین چیزول نیز در این باب بحث ملاحظاتی دارد .

چنانکه قبلاً شرح آن گذشت امیر شیرعلیخان امیر افغانستان در سالهای باخیر اقامت خود کاملاً تحت نفوذ دولت انگلیس قرار گرفته بود دولت انگلیس در دادن پول و رساندن اسلحه و مهمات با امیر افغانستان کوتاهی نمی کرد ولی عمال نظامی یا سیاسی انگلستان هرگز نمیتوانستند قدم بتاک افغانستان گذارند . در این تاریخ یکی از صاحب منصبان ارشد انگلیس در خراسان گردش میکرد ، مأموریت های سیاسی داشت این شخص موسوم بود به سرهنگ ماگگریگور. (۱)

این صاحب منصب متهور جرأت کرد بتاک افغانستان وارد شود تا نزدیک هرات پیش رفت و در همانجا گرفتار گردید و باو توهین شد او را آورده در سرحد ایران زها کردند .

خود صاحب منصب فوق الذکر این واقعه را در یادداشت های خود چنین مینویسد :
 «همینکه مرا گرفتار کردند رئیس آنها بمن اظهار کرد شما باید فوری از خاک افغانستان خارج شوی يك عده سوار همراه شما خواهد بود تا اینکه شما را بآن طرف سرحد در نقطه کهسان برسانند تا از شما خلاص شویم ، عین عبارت انگلیسی آن در زیر نقل میشود. (۲)
 همین صاحب منصب در صفحه ۱۵۴ جلد اول کتاب خود عقیده قطعی خود را در باب ایران چنین اظهار میدارد : «عقیده قطعی من این است که باید سیاست دولت انگلیس مساعد با عثمانی و افغانستان و بر ضد دولت ایران باشد مساعدت با ایران بر ضرر دولت انگلیس است» .

این عبارت از قول يك نفر صاحب منصب ارشد دولت انگلیس است که در سال ۱۸۷۵ میلادی در کتاب خود آورده است این هنگامی است که میرزا حسینخان سپهسالار

(۱) جلد سوم تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس صفحه ۱۰۸۹ .

(۲) اینک عبارت انگلیسی آن :

«You are to go away from this at once . Sowers will be sent with you and see you beyond the frontier at Kohan and then we shall be free of you . » Journey Throught Khorasan . By . C . M Mcgregor vol . I . P . 215 .

در ایران در کمال قدرت و اقتدار است و نهایت درجه ارادت و اخلاص را نسبت به دولت انگلیس دارد. (۱)

در زمان صدارت میرزا حسین خان سپهسالار قزاقخانه در ایران دایرشداین در سال ۱۲۹۶ هجری قمری مطابق سال ۱۸۷۸ میلادی بود. تأسیس آن بعد از خاتمه جلسات کنگره برلن است.

این موافقت در کنگره برلن بین دولتین روس و انگلیس بعد آمد ولی دولت انگلیس مایل نبود صاحب منصبان انگلیسی در پایتخت دولت ایران با صاحب منصبان روسی روبرو شوند صلاح در این دیدند که بجای صاحب منصبان انگلیسی صاحب منصبان اطریشی تعیین شوند زیرا در آن تاریخ روابط دولتین انگلیس و اطریش در نهایت دوستی و صمیمیت بود. این است که دیده میشود در صدارت میرزا حسینخان سپهسالار دو دولت مخالف قشون ایران را با دو سیاست مخالف تعلیمات نظامی میدهند.

چون بهرورزمان سیاست دولت اطریش عوض شد و در دایره نفوذ آلمان فرار گرفت باین لحاظ نظام اطریش چندمان دوامی در ایران نکرد و خود بخود از بین رفت. اما قزاقخانه سالها باقی ماند و عملیات تخریبی خود را در مدت متجاوز از چهل سال در ایران ادامه داد. در آخر همین فصل توضیحات بیشتری در این باب خواهم داد. (۲)

تقسیم ایالت بلوچستان و سیستان در زمان میرزا حسین خان سپهسالار صورت گرفت واقفاً بسیار کوته نظری و بی علاقگی و بی فکری میخواهد که کسی اجازه بدهد شخص ییکانه وارد خانه او شده در خانه و دارائی آن اظهار نظر کند و در حق مالکیت

[1] The policy of the English government Should be decidably and persian and pro Turkish and Afghan . vol. I. P . 154 .

(۲) در شماره چهارم روزنامه کلاه چاپ برلن در تاریخ ربیع الثانی ۱۳۳۴ هجری

او چون وچرا نماید بعد صاحب خانه از آن بیگانه خواهش و تمنی کهد که فلان قسمت را جزء حصه من قرار بدهد و از فلان قسمت صرف نظر کن ا قضیه بلوچستان و سیستان در واقع چنین واقعه‌ای بوده .

سید اعظم ایران که در باطن ساخت انگلستان بود انگلیسها را بایران راه داد و آنها را در قلمرو ایران آزاد گذاشت و هر کاری دلشان میخواست به نفع خود انجام دادند من در فصل ۴۱ و ۴۲ به قسمتی از دخالت ها و تجاوزات دولت انگلیس در زمان صدارت میرزا حسین خان اشاره کرده‌ام .

بهترین سیاست عاقلانه برای میرزا حسینخان سپهسالار این بود بدون اینکه تعامیل خود را بیک طرف نشان بدهد بی طرفی صرف را انتخاب میکرد با هر دو دولت یا وفق و مدارا رفتار مینمود زیرا که هیچ يك پناه نمیکرفت . يك قوه دفاعی بفرخور مملکت ایران تهیه میکرد که قابل ملاحظه هر دو همسایه ایران باشد . خواهش های بی جای هیچ يك از نمایندگان دول خارجی را قبول نمیکرد .

دنباله پاورقی صفحه قبل

قصری برابر فوریه سال ۱۹۱۶ میلادی مینویسد : دفوج قزاق ایرانی یکی از بلاصا و بدبختبهای ایران است که کسی نیست ثمرات قلع آن شجره خبیثه را که ناصرالدین شاه کاشت مسیوق نباشد .

این دسته دشمن داخلی در سال ۱۲۹۶ بعد از عودت ناصرالدین شاه از فرنگ ایجاد شد . مشارالیه در قفقاز و ایروان از لباس نظامی و ترتیب قزاق روسی خوشش آمده خواست که برای کشیک مخصوص خود دسته قزاق بترتیب روس تشکیل دهد و بدین جهت چهار صاحب منصب و پنج صاحب منصب جزء روسی بر حسب خواهش وی مأمور تشکیل يك عده سرباز پانصد نفری در درکاب میارک شدند

من در جای دیگر راجع بقزاقخانه مفصل بحث خواهم کرد فقط برای رفع اشتباه گویم . چه طور میرزا حسینخان سپهسالار میتوانست فقط بیل شاه این کانون فساد را در ایران برقرار کند ؟ چنگونه انگلیسها ممکن بود در آن تاریخ که تازه از کنگره برلن فاتح بیرون آمده بودند باین امر داضی شوند ؟ این نبود مگر اینکه قبلا بین دولتین سازشی در این باب شده باشد . روس قزاقخانه دایر کند و انگلیس نظام اطریشی ایجاد نماید .

بواسطه اتخاذ سیاست يك طرف میرزا حسین خان حسن حسادت و دشمنی را در نهاد دیگری نسبت با ایران ایجاد نمود . همین سیاست يك طرفی او باعث شد که عده‌ای از علماء روحانی علیه او اقدام کنند حتی بعضی از آنها در زمان اقتدار او حاضر نشدند با او ملاقات کنند . (۱)

تکیه‌گاه میرزا حسین خان خود انگلیسها بودند سرکار آمدن او با نفوذ دولت انگلیس صورت گرفت آنها بودند که بیک چنین صدراعظمی احتیاج داشتند . سرهنری رانسون بطور صریح باین موضوع اشاره میکند : برای مدت قریب بنه سال او را در مقام صدارت نگاه داشتند تا اینکه دل خود را بازی کرده با خریدارند . همینکه بازی تمام شد دیگر وجود میرزا حسین خان در مقام صدارت لزومی نداشت به سر نوشت میرزا آقاخان نوری باید گرفتار شود . میرزا آقاخان نوری پس از عزل به سلطان آباد عراق رفت ، میرزا حسین خان بقزوین هر دو هم زود در گذشتند .

خانمه کارکنگره برلن یا خانمه صدارت میرزا حسین خان توأم بود اگر چه چند صباحی دیر شد ولی عاقبت کار او روشن بود باید برود و رفت همچنانکه دیگران رفتند باز هم «میآیند و میروند»

در شرح حال او خواندم وقتی که بمشهد رسید اولین دستور او این بود که برای وی مقبره تهیه شود و این نیز زودی تهیه گشت . خود میدانست رفتنی است چنین نیز شد و بزودی در گذشت .

مناسبات دولت انگلیس و طرز سیاست آن از ابتدای قرن نوزدهم با ایران چنین بوده و يك سیاست ثابت و معین در کار بوده است . آنچه که من خوانده و دیده‌ام ، در این سیاست تغییری روی نداده است و تا امروز روی همان محور اولی در کار است . باید مطابق میل دولت انگلیس امر ارحیات کند باراه زوال پیماید . عیب عمده این سیاست نیز در این است که در هر دو حال ایران باید راه زوال به پیماید هر گاه رفتار اولیای امور ایران مطابق میل دولت انگلیس است خودشان وسائل زوال تدریجی آنرا از راه دوستی فراهم میآورند هر گاه مناسبات حسنه وجود ندارد علل و اسباب زوال را از راههای دیگر

فراهم می‌آورند. همیشه یکمده اشخاص معلوم در اختیار خود دارند مخصوصاً در میان رجال پست و ناراضی دربار. بین علماء اشخاص عالم نما و فاسد، در میان رؤسای غارتگر ایلات. در میان سکنه شهرهای دور و نزدیک یکمده ماجراجوی ناراحت حاضر و آماده دارند. با ایادی این قبیل اشخاص فاسد دولت وقت که سروری با دولت انگلیس ندارند آنها را ذلیل و بیچاره خواهند کرد تا از بین بروند و یک دولت مطابق میل و سلیقه دولت انگلیس سرکار آید و زمام امور کشور ایران را در دست گیرد.

اما مناسبات دولت انگلیس با دولت روس در قضایای ایران. هر گاه روابط ظاهری بین دولتین حسنه است سیاست ماهرانه دولت انگلیس در این است که مقاصد خود را با دست عمال خشن و بی عاطفه دولت روس در ایران انجام دهند. هر گاه بین شان کدورت و دشمنی حکم فرما است پناه بر خدا غیظ و غضب عمال سیاسی دولت انگلیس نسبت بدولت ایران بمراتب سخت تر و شدیدتر است عنوان هم این است که دولت ایران با روسها اتحاد سری دارد و علیه دولت انگلیس مشغول دسیسه است!

شما هر دوره از ادوار قرن گذشته و پنجاه ساله اول قرن حاضر را مطالعه کنید و سوانح را در نظر آورید جز این نخواهید یافت و صریحتر هم از این توان تعریف کرد.

در مدت یکصد و پنجاه سال گذشته سیاست و رفتار رجال مهم انگلستان با کشور ایران غیر از این بوده است.

لرد دوقرین که از رجال معروف و سیاست مدار بانام دولت انگلیس است و از سال ۱۸۸۱ تا سال ۱۸۸۵ فرمانفرمای هندوستان بوده اساس سیاست دولت انگلیس را نسبت بکشور ایران چنین تعریف میکند:

دهنگامیکه شهریار ایران در نتیجه تلقینات و صلاح اندیشی ما تسلیم سیاست ما گردید و از دادن امتیازات بدولت امپراطوری روس امتناع کرد و به تقاضاهای آن دولت جواب رد داد و از وزیر مختار ما خواست که از جانب دولت انگلیس با او اطمینان و قول صریح داده شود که از او حمایت خواهند شد در این صورت تمام آنچه که از طرف دولت انگلیس با او جواب داده میشود این است که چند جمله بیانات و عبارات دوستانه

تحويل خواهد گرفت که در آنها هیچ نوع تعهد یا مساعدت مادی نباید شامل باشد. (۱)

لرد کرزن معروف در کتاب خود موسوم به روس-انگلیس در آسیای مرکزی در صفحه ۳۰۴ راجع بایران مینویسد: «آنهایکه در انگلستان از اتحاد دولت انگلیس با دولت ایران صحبت میکنند که انگلیس با ایران متحد شده از ایالت خراسان در مقابل جمله روسها دفاع کنند یا اینکه باهم اتفاق کرده به ماوراء بحر خزر حمله کنند، این اشخاص بدترین خدمت را بوطن خود کرده و هموطنان خود را گمراه میکنند و آنها را بدینک محیط خیالی وواهی که هیچ امیدی نمیتوان بدان بست معطل میکنند. (۲)

کلنل ماکریکور که مدتها در نواحی مختلف خراسان مأموریت داشته و بواسطه اقبال دو جلد سفرنامه خود در ایران معروف گردید در همین فصل یک قسمت هائی از مسافرت او بخراسان اشاره شده است، بدولت انگلیس توصیه میکند که سیاست دولت انگلیس قطعاً باید این باشد که نفوذ دولت انگلیس بر ضد ایران و به نفع دولت عثمانی و دولت افغانستان اعمال شود.

به نظر من در اینجا تا این حد کافی است که اساس سیاست دولت انگلیس را نسبت بکشور ایران از اول قرن نوزدهم میلادی نشان بدهد بطور کلی باید گفت تا سیاست دولت انگلیس روی همین اساس قرار گرفته و قرنها در گردش است تا این اساس

(1) The Marquis of Dufferin and Ava. By C. E. W. Black. P. 268

در سال ۱۸۸۲ دولت ایران بخانم لرد مفکود یک نشان شیرو خورشید فرستاد کتاب

فوق صفحه ۳۱۸

(2) Those who talk of a Persian alliance to cooperate With England in the defence of Khorassan' or in an attack upon Transcaspian are doing the worst service they can to their country by bequiling her with the most phantasmagorical and hope less of illusions.

Russia in Central Asia. By Curzon. P: 304-

واژگون بشود و تغییر نکند. نه تنها برای ملت ایران بلکه برای تمام مللی که یا این متعددی سرکار دارند خطرناک و زیان آور است.

آقای جان اسکالون در کتاب خود موسوم به «این است اساس سیاست خارجی» چه خوب علت خود را تعریف و توصیف کرده است. در این کتاب مینویسد:

«بدون استثناء ما بزرگترین غارتگران و راهزنان عصر خود هستیم که در کره زمین زندگی میکنیم، ما از این حیث برتر از سایر جهانیان هستیم زیرا که علاوه بر آن صفات ریاکاری منافق هم میباشیم، ما بغارت و یغما میپردازیم و این عمل را بخیر و صلاح جهانیان و اعمود میکنیم»^(۱)

هرگاه نفوذ خارجی در کار نبود هرگز ممکن نبود میرزا حسینخان سپهسالار باین سهولت بمقامات عالی کشور ایران برسد و قتیکه آن نفوذ بر طرف شد اولین از بین رفت ولی اثرات دوره صدارت او تا امروز هم باقی است ملت ایران باز سالها در دریغ و زحمت خواهد بود تا اثرات شوم دوره صدارت او را از بین ببرد.

دکتر بلوکه قبلاً نام او برده شده یکی از عمال سیاسی دولت انگلیس بود این مرد منصف در سال ۱۸۷۲ میلادی و بعدها در ایران بوده از رود سند تا رود دجله را پیموده خود را به بغداد رسانیده است در این سالها بلوچستان - افغانستان - سیستان - خراسان - طهران - همدان - کرمانشاهان و قصر شیرین این جاها را خوب سیاحت کرده است و اثرات قحطی سال ۱۲۸۸ را بیچشم دیده است فقر و ذلت و بدبختی سکنه این نواحی را شرح میدهد بعد مینویسد: «حق این بود میرزا حسینخان سپهسالار هم خود را صرف رفعت و ذلت و بدبختی سکنه این شهرها بکند یا اینکه شاهرها برداشته بارو پیا ببرد

(1) We are without exception the greatest robbers and marauders that ever existed on the face of the globe. we are worse than other Countries because we are hypocrites also, for we plunder and always Pretend we do so for other people's good.

Very Foreign Affairs. By John Scanton. P. 137
London 1930

و پولها را صرف عیاشی شاه و درباریان بکنند. (۱)

پس از عزل میرزا حسین خان سپهسالار بلافاصله فتنه شیخ عبیدالله کرد برپا گردید اغتشاش و آشوب او بالا گرفت، از این پیش آهد پیداست که در میان اولیای امور ایران در این تاریخ کسی وجود نداشت که به تصایح دولت انگلیس گوش بدهد یا اینکه دست تشاذهای در مقامات مهم درباری نبوده ناچار متوسل به فتنه شیخ عبیدالله شدند، تحریک بابعالی نیز در کار بوده.

شیخ نامبرده چندی در میان اکراد اظهار زهد و تقوی میکرد گاهی هم استقلال کرد را عنوان مینمود. (۲)

پس از خاتمه جنگ روس و عثمانی اقتداری بهم رسانید پاغی شده بطرف ارومیه حرکت کرد کردهای ایران نیز با او هم دست شده بنای قتل و غارت را گذاشتند در اطراف ارومیه حرکات بسیار وحشیانه مرتکب شدند این مرد بلباس زهد و تقوی شده بیرون زیادی پیدا کرده بود اسباب وحشت اولیای امور طهران را فراهم نمود.

مرحوم اعتماد السلطنه در سال ۱۲۹۸ در این باب مینویسد : در این سال فتنه شیخ عبیدالله روی داد. این شیخ از قدیم در سلك تصوف بشیوه عوام فریبی بسر میبرد و در ناحیه... میان اکراد تبعه عثمانی مطاعینی داشت ، در اوقات جنگ روس و عثمانی اسلحه بدست آورده بنحیال واهی افتاد که اکراد سرحد نشین دولت ایران و عثمانی

(1) From the Indus to the Tigris. By dr. H. W. Bellew

(۲) قبلا در صفحه ۸۴۳ تذکر داده شد که در زمان جنگ کریمه لرد پالمرستون صدر اعظم انگلستان سر ریچارد فرانسس پورتون را مأمور کرد که بکرستان برود، ایشان نیز بانجا رفته قریب چهار هزار نفر از کردها را برای جنگ با روسها حاضر نمود و این عهد میبایست زفته بشیخ شامل در قفقاز ملحق شده و با روسها مشغول جنگ شوند. قنطاریع اجرای این نقشه خاتمه جنگ کریمه بود. من در جای دیگر و بموقع خود به روابط دولت انگلیس با کردها اشاره خواهم نمود و این داستان را برای شما شرح خواهم داد. سر ریچارد فرانسس پورتون در مالک اسلام بنام ذالحاج عبدالله پوشهری معروف بوده در سال ۱۸۹۰ میلادی ولادت یافت " ۱۳۰۱ هجری قمری درگذشت.

را تحت ریاست خود درآورد. در اواخر این سال حمزه آقای منکور از حکومت ساو جبلاغ گریزان شده بشیخ عبیدالله پیوست و خیالات او را تأیید و تحریک نمود و در حدود کردستان دولت ایران بنای قتل و نهب و حرکات وحشیانه که ناشی از فطرت ناپاک میباشد گذاشت.

اولیای دولت از غائله باخبر شدند در عرض بیست روز ۲۵ هزار نفر از عساکر موجوده بریاست حمزه میرزا حشمةالدوله برای دفع این شر در نقاط مهمه حاضر ساختند و قبل از وصول اردوی دولت بسا و جبلاغ و ارومی و آن صفحات عماد السلطنه مصطفی قلیخان که ریاست قشون آذربایجان داشت با سایر سرکردگان در حدود مراغه و بناب دو هزار نفر از یاغیان را طعمه توپ و تفنگ نموده شکست های فاحشی بآنها دادند و ششصد نفر را که جسارت استیلا بشهر ارومی کرده بودند بقتل رسانیدند و در دوسه فرسنگی ارومی نیز جمعی از اکراد که باشیخ صدیق پسر شیخ عبیدالله بودند براه عدم فرستادن باقی مانده هزیمت نمودند.

حمزه میرزا حشمتالدوله در این بین در گذشت میرزا حسنعلی خان کروی مأمور شد و طولی نکشید اکراد شکست خورده فراری شدند خود شیخ عبیدالله بخاک عثمانی فرار نمود تا سال ۱۲۹۸ باخر برسد غائله شیخ عبیدالله تمام شد.

جزو وقایع سال ۱۲۹۸ هجری مینویسد: «روز دهم ربیع الثانی تلکرافتی از جناب معین الملک سفیر کبیر دولت علیهمقیم اسلامبول رسید بدین مضمون که اعلیحضرت سلطان عبدالحمید خان اطمینان دارد بودند که دیگر شیخ عبیدالله و اکراد طاغی جسارتی نخواهند نمود و اسباب امنیت حدود را دولت عثمانی باتفاق دولت ایران فراهم خواهند نمود»

جزو وقایع سال ۱۲۹۹ هجری مینویسد: «فرار شیخ عبیدالله را از استانبول اطلاع میدهند که برای تجدید قتنه و اغتشاش در سرحدات آذربایجان آمده است اما حسنعلیخان کروی دیگر مهلتی با اکراد نداد بهر تدبیر و سیاست بود اکراد یاغی را سرکوبی کامل نموده اطراف و نواحی آذربایجان را امن نمود.»

اینک باصل واقعه توجه شود، این موضوع یعنی طغیان اکراد یک پیش آمد

ساده نبوده بلکه يك جنبه سياسي داشته است. نظر سياسي اين بود که اگر اد برای خود استقلالی بدست آورند و بخرج اراضی ایران يك مملکت کردنشین مستقل تشکیل بدهند. در این باب لرد کرزن معروف در کتاب خود شرح مفصلي آورده است اینک بطور خلاصه بدان اشاره می کنم. لرد معظم بقتة عبيدالله اشاره کرده مینویسد:

« در سال ۱۸۸۰ میلادی غفلتاً طغیان و شورش کردها شروع گردید این شورش قدرت کردها را از یکطرف نشان داد و از طرف دیگر ضعف تشکیلات آنها را معرفی نمود یکی از رؤساء آنها موسوم به شیخ عبيدالله پسر شیخ طاهر در میان کردهای دهات کوهستانی و آن که متعلق بدولت عثمانی است شهرتی پیدا نمود و از خود زهد و تقوی نشان داد و معروف شد رفته رفته هادی و پیش رو کردها گردید و خود را رئیس دستة استقلال طلبان کرد معرفی نمود و برای خود عنوان پادشاهی قائل شد. هر روز از پانصدالی هزار نفر بملاقات او می آمدند و برای خود دستگاه دیوانخانه ترتیب داده بود و طوری رفتار میکرد که کردها او را پادشاه بدانند. هیچ شکی نداشت که شیخ عبيدالله هر شب خواب استقلال کردها را میدید و سعی داشت بمملکت شیعه ها که طرف تنفر قاطبه کردها است حمله کند و اگر این شخص در اقدامات اولیه خود موفق میشد مملکت ایرانرا گرفتار هرج و مرج بزرگی نموده بود و بدون تردید دولت عثمانی هم با آرزوهای اتباع خود روی موافقت نشان میداد و از این اقدام قصدی نداشت جز اینکه اسباب گرفتاری و زحمت برای دولت ایران فراهم گردد و در نظر داشت از اقدامات شیخ يك دولت کرد بوجود آید و بوسیله آن از خیالات قاسد آرامنه و از شورش آنها در ارمنستان جلوگیری کند. هر گاه در این میان دولت عثمانی نظری دیگر هم نسبت بدولت ایران داشت در ظاهر چیزی از آن دیده نمیشد.

در نتیجه این تلقینات و تشویقات شیخ عبيدالله شروع با اقدامات کرد و در قدمهای اولیه معلوم بود که برای انجام يك مقصود بخصوصی باین عملیات متوسل شده است. شیخ عبيدالله با پیروان جنگی خود از سرحد ایران عبور نموده با اتفاق پسر خود بنام عبدالقادر ساوجبلاغ را تصرف کرد و از آنجا بطرف مراغه عزیمت نمود. ایرانیها در همه جا از مقابل او فرار میکردند.

این قدرها طول نکشید که کردهای ایران نیربشخ عبیدالله ملحق شدند و ایشا خودشانرا تا پشت دروازه ارومیه رسانیدند . معروف است برای ده روز تمام بواسطه مذاکرات و گفتگوی صلح با اهالی معطل شدند .

در تمام این مدت با طهران در مذاکرات تلگرافی بودند تا اینکه يك اردوی بیست هزار نفری با توپخانه برای جنگ با اکراد حاضر شد . فرمانده این لشکر که حمزه میرزای حشمت الدوله بود در بین راه باجل طبیعی در گذشت میرزا حسین خان سپهسالار سرداری این لشکر معین گردید و قوری این شخص بطرف تبریز حرکت نموده در این بین شاه به روسها متوسل شد که از آن دولت کمک بطلبند . یا دولت انگلیس باب مشاوره را باز کرد و از دولت عثمانی جبران این پیش آمد را خواست ، ولی طولی نکشید که این ساخته بر طرف گردیده بکلی ازین رفت . شیخ عبیدالله که با آن استعداد ممکن بود یا نبودن هیچ مانع در جلوراه او تا تبریز پیش برود ولی در آنکه مدتی امتیاع و پیروان او متواری شدند . اما پیش آمد نشان داد که پیروان او هیچ رابطه معنوی با او نداشتند . و هیچ عقیده مشترک آنها را بهم مربوط نساخته بود فقط با تحریک تعصب مذهبی کردها بجوش و خروش آمده قصدشان جز قتل و غارت چیز دیگر نبوده همینکه قشون ایران شروع بجنگ و حمله نمود همه آنها پراکنده شدند و پیشوای خودشانرا ویلان و سرگردان گذاشته فرار اختیار کردند .

خلاصه يك چنین جنبش کردی که در ماه سپتامبر ۱۸۸۰ شروع شد و در نوامبر همان سال در مدت ۳ ماه بکلی ساکت و خاموش گردید .

در اثر فشارهای دول اروپا دولت عثمانی مجبور شد شیخ عبیدالله را گسرفته باستانبول برده حبس کند ، و این کار در ماه جولیه ۱۸۸۱ عملی گردید ولی در ماه اوت سال ۱۸۸۲ شیخ عبیدالله مانند سایر حبسی ها از حبس سلطان فرار نمود . باز طولی نکشید دو مرتبه گرفتار و بمکه معظمه تبعید گردید و در اکتبر سال ۱۳۰۲ - ۱۸۸۳ نفس آخری را کشیده در گذشت .

اگرچه این جنبش کردی بجائی منتهی نشد و بزودی فتنه آن خاموش گردید ولی از حیث اهمیت سیاسی فوق العاده مهم بود . لیکن يك چنین جنبش بواسطه

اختلافات ایلی و دشمنی بین آنها نشان داد که قیام اکراد و اتحاد آنها تا چه اندازه امروز غیر عملی است و نمیتوان به تشکیلات و اتحاد طوایف اکراد امیدوار بود ممکن است نظیر این واقعه دیگر در حیات ما رخ ندهد

عده اکرادی که در تحت تبعیت دولت عثمانی است بالغ بر پانصد هزار نفر است و عده اکراد ایران در حدود هشتصد هزار نفر میباشد. (۱)

اینک توضیحات بیشتری را جمع بصاحب منصبان اطریشی و ایجاد قزاقخانه
از جمله وقایعی که در این ایام برای ایران رخ داد اول آوردن صاحب منصبان اطریشی و دوم صاحب منصبان روسی، اولی برای تعلیم قسمتی از قشون ایران با اصول نظام قشون اطریشی که بعدها در ایران به قشون اطریشی معروف گردید دیگری نمونه از قزاقهای روسی بود که معروف است. گویند وضع ظاهری آنها در روسیه جلب توجه ناصرالدین شاه را نموده از امپراطور روس تقاضا نموده بود که چند نفر صاحب منصب بایران بدهد که عده از قشون ایران را با نظام و قانون تعلیمات قزاق روسیه تعلیم بدهند. ورود صاحب منصبان اطریشی و ایجاد قزاقخانه تحت نظر صاحب منصبان روسی تقریباً در یک زمان بوده و آنهم در سال ۱۲۹۶-۱۲۸۹ یعنی کمی بعد از خاتمه کنگره برلین. اگر درست بشود تفاوت نمود باید گفت اینهم از نتایج کنگره برلین بود، که اول موافقت باطنی بین روس و انگلیس ایجاد کند که روسها دست از افغانستان بردارند و در ایران نیز باهم کنار بیایند اگر روسها صاحب منصبان قزاق فرستادند نمونه قشون روسی تشکیل بدهند باید گفت انگلیسها هم برای اینکه تصادمی بین آنها رخ ندهد بواسطه نزدیکی انگلیسها با دولت اطریش و بندوبست های سری بین لردسالزبوری و کنت اندراسی صدراعظم و وزیر امور خارجه اطریش (۱) دولت اطریش راضی شد یک عده صاحب منصبان نظامی برای مشق و تعلیم عدهای از نظامیان بایران اعزام داشتند. مرحوم اعتماد السلطنه جزو وقایع سال ۱۲۹۶-۱۸۷۹ چنین مینویسد: «دسته ای از قشون سواره ایران را بوضع سواره قزاق روس و بریاست و معلمی کلنل دوما تویچ (۲)

(۱) لرد کرزن این احصائیه را برای سال ۱۸۹۱-۱۳۰۸ نوشته است جلد اول صفحه ۵۵۴

(۲) تاریخ زندگانی لرد سالزبوری جلد دوم

صاحب منصب روسی بر قرار کردند و نیز هفت فوج از قشون عراقی را با ششصد نفر توپچی عجبائناً بطور نمونه انتخاب و بسببک و وضع قشون اطریش مرتب کرده یکدمته صاحب منصب ریاست کلنل شیودنوسکی و شیونوویتیس برای تعلیم و ریاست افواج مزبوره از دولت اطریش استخدام نمودند .

لرد کرزن که مطالعات دقیقی در این موضوع نموده است در جلد اول کتاب خود صفحه ۵۸۷ چنین مینویسد : در هنگام مسافرت ناووی شهریار ایران بارویا در سال ۱۸۷۸-۱۲۹۵ پذیرائی های شایانی از شاه ایران دروینه بعمل آمد که در پادشاه ایران فوقالعاده مؤثر واقع شد مخصوصاً در تشرین شهر وینه برای ورود او در نتیجه برای اظهار رضایت از این مهمان نوازی شاه قبول نمود یکدمته صاحبمنصبان لشکری و کشوری ؟ دولت اطریش آمده قشون ایران را مشق و تعلیم بدهند این صاحبمنصبان برای سه سال در اختیار دولت ایران گذاشته شدند . یازده صاحب منصب که عبارت بود از یک سرهنگ یک یاور سه نفر سلطان و پنج نفر نایب، این اشخاص در ماه ژانویه سال ۱۲۹۶-۱۸۲۹ بطهران رسیدند (۱) و شغل ایشان این شد که هفت فوج هشتصد نفری که جمعاً یک قوه ۵۶۰۰ نفری باشد تعلیم و تشکیل بدهند و شهر سلطان آباد مرکز این قشون شد که پس از فرا گرفتن مشق و نظام اطریش در حضور شهریار ایران دقیله دهند. اما از این تشکیلات و تعلیمات مقصود انجام نگردید و نتیجه حاصل نشد پیداست که صاحبمنصبان اطریشی دارای تربیت عالی نبودند و سعی هم نکردند که زبان و عادات ایرانی را فراگیرند این بود که بنای درشتی و خشونت را گذاشتند و بالاخره هم برود متفرق شدند فقط یک عده نظامیان از افسران جزء درجات پائین از همان اطریشی-ها در خدمت دولت ایران باقی ماندند و یک عده را مشق و تعلیم میدادند و تا این اواخر نیز اسمی از نظام اطریشی باقی بود آنها .

این خلاصه پیدایش صاحبمنصبان اطریشی در ایران است ظن قوی آن است این عمل نتیجه کتک برلن بود که در مقابل اقدامات روسها در ایجاد قزاقخانه بعدها باید

(۱) لرد کرزن در کتاب خود یازده نفر مینویسد ولی در تعیین درجات آنها قطعاً

بتاریخ ایام بعد مراجعه نمود که در اروپا چه بندوبست‌هایی روی داد که دیگر دولت انگلیس اعتمادی بدولت اطریش نداشت و دلیل آن پرواضح است. در آئیه اشاره خواهد شد. بنا بر این نظام اطریش در ایران دوام نکرد.

اما راجع بآمدن صاحب‌منصبان روسی و احداث قزاقخانه و مشق و تعلیم یک‌عده از قشون ایران با اسم قزاق شواره ایران.

لرد کرزن راجع بآمدن صاحب‌منصبان قزاقخانه هم صحبت میکند گوید: «مقارن همین اوقات که صاحب‌منصبان اطریشی بایران آمدند یک عده صاحب‌منصبان روسی نیز بیاینتخت ایران وارد شدند که نفوذ دولت امپراطوری روس را در ایران توسعه دهند و قشونی در پایتخت شاهنشاهی ترتیب بدهند که فرم و اسلحه و تعلیمات قزاقهای روسی داشته باشند. کلنل دو مانتویچ (۱) که یکی از صاحب‌منصبان تعلیم یافته ژنرال ترکو کانسوف (۲) بود و در جنگهای تراکمه شرکت داشت با پنج نفر صاحب‌منصب دیگر برای تشکیلات قزاقخانه به طهران وارد شدند البته کلروسها از حیث تعلیم و مشق قزاقان ایرانی خیلی خوب پیش رفت نمود.

دروهله اول یک هزار تفنگ بردان یا بردانکه که قیمت هر یک ۳ لیره ارزش داشت و دو یا طری توپخانه صحرائی بدون اخذ قیمت از طرف امپراطور روس که دوست پادشاه ایران بود بشهریار ایران هدیه شد شمشیرهای این عده قزاق در خود ایران هردانه به ۱۲ قران و نیم ساخته و آماده گردید و این دسته در لباس و تعلیم مانند قشون غربی بودند و پادشاه ایران بخوبی میتوانست بداشتن یک چنین لشکری که درست مطابق قزاق قفقاز و نمونه آنها بودند بخود بیاید.

لرد کرزن گوید «در این تاریخ (۱۸۹۱) عده قزاقهای ایران بالغ بر سه فوج است که اسماً هر فوجی ششصد نفر است که جمعاً یک هزار و هشتصد نفر ولی در حقیقت دو فوج هر یک ششصد نفری که جمعاً یک هزار و دو صد نفر باشد اگر اینها را ۳ فوج فرض کنیم باید گفت که هر فوج به چهار صد نفر بالغ میشود.

(1) Colonel Dmantovich.

(2) General Terqukasoff.

صاحب‌منصبان خارجی آنها که روسی هستند عبارتند از يك سرهنگ ۳ نفر سلطان يك نایب و ده نفر وکیل باشی ولی هنگامیکه من در طهران بودم عنده این صاحب‌منصبان خیلی کم بود یعنی يك سرهنگ يك سلطان يك نایب و شش نفر وکیل . در این سنوات اخیر تصمیم گرفته شد که یک فوج نیز باین عنده علاوه کنند و نقرات آنرا از کردها و نپهورها و سایر طوایف سرحدات شمال شرقی خواهند گرفت .

لرد کرزن بعداً علاوه نموده گوید ، « فعلاً یعنی سال ۱۸۹۱ میلادی برابر سال ۱۳۰۹ هجری قمری از صاحب‌منصبان اطروش که باقی مانده معلمین نظامی اطروش هستند حالیه هفت نفرند . شش نفر آنها ژنرال و يك نفرشان یاور است . » (۱)

در قرن نوزدهم صاحب‌منصبان زیادی از خارجه بایران آمدند البته محرک اصلی اعزام اینها بایران نظریات سیاسی بوده مخصوصاً این نظر از طرف دولتی که سیاست ایران علاقمنند بود و مطابق میل آن دولت پیش نهاد میشدند . ولی این سیاست همیشه در تغییر بود و مناسبات سیاسی و روابط با همسایگان و طبق پیش آمدهای معلوم و معین روز عوض میشد و در این پیش آمدها نیز معلمین نظامی خارجی عوض میشدند ولی صاحب‌منصبان قزاقخانه که همیشه يك عنده صاحب‌منصبان روسی در رأس آن قرار داشتند ثابت و برقرار میماند و این مؤسسه مدت چهل سال طول کشید و دولت و ملت ایران ضررهای مادی و معنوی زیاد از آنها دیدند . بیش از حد و اندازه صدعات آنها را متحمل شده اند که شمه از عملیات آنها قبلاً گذشت .

يك موضوع دیگر که بسیار است بطور خلاصه بدان اشاره شود دخول ایران با اتحادیه پستی بین‌المللی است که در سال ۱۸۷۷ میلادی انجام گرفت و مملکت ایران نیز جزء ممالک اتحادیه پستی بشمار آمد . (۲)

در سفر اول ناصرالدین با رویا که در سال ۱۲۹۰ هجری قمری مطابق ۱۸۷۳ میلادی اتفاق افتاد در مراجعت چند نفر صاحب‌منصب پستی استخدام کردند اینها بعد از چندی بایران آمدند و مشغول تعلیم امور پستی شدند يك عنده ایرانی را خودشان تعلیمات

(۱) کرزن - ایزان مسئله ایران جلد اول صفحه ۵۸۹ .

(۲) این موضوع را آقای حسنعلی خان برهان در مجله‌های پستی که در تهران بطبع

بقیه پاورقی در صفحه بعد

دادند که امور پستی را فراگیرند و در سال ۱۲۹۲ هجری پست ایران بشکل پست اروپا درآمد. (۱)

پست منظم ایران را مرحوم میرزا تقیخان امیرکبیر دایر نمود و همان نظم و ترتیب تا سال ۱۲۹۱ دوام داشت و جزو وزارت طرق بوده و در دست يك نفر مسئول ملقب به چاپار باشی اداره می‌شد که در سال ۱۲۹۲ هیئت مستشاران پستی اطریش به ایران آمدند. (۲)

در تاریخ ۱۲۹۱ هجری قمری برابر ۱۸۷۴ میلادی مسیوریدور (۳) رئیس کل پست ایران معرفی شد. از مراسله ای که این شخص بر روزنامه نمرز ایتونک (۴) در ۱۹ رجب ۱۲۹۳ نوشته و آقای برهان بزحمت آنرا بدست آورده در مجله پستی ایران در سال ۱۳۱۲ هجری شمسی درج نموده است از مطالعه آن پیداست که اوضاع پستی آن زمان در چه حالی بوده و باچه جدیت هائی پست منظم در ایران دایر شده است.

لرد کرزن در این باب مینویسد: «در وقت آمدن مستشاران اطریشی برای اداره نمودن پست ایران دولت روس مخالف های جدی کرد و کوششهای فراوان نمود که از اقدامات آنها جلوگیری کند» (۵).

در مراسله دوم رئیس کل پست ایران که در تاریخ ۶ جمادی الاولی ۱۲۹۳ مطابق اول ژوئن ۱۸۷۶ در یکی از روزنامه های شهروین موسوم به نیوقری (۶)

بقیه یادرفی صفحه قبل

میرسید و از انتشارات وزارت پست تلگراف و تلفن بود نوشته و انتشار داد. آن مقالات از شاه شن تا شماره یازده در سال ۱۳۱۲ هجری شمسی جلیع رسیده و داستان این موضوع را به تفصیل نوشته است. همچنین لرد کرزن در جلد دوم و اول کتاب خود موسوم به ایران و مسئله ایران در صفحه ۴۶۵ جلد اول و صفحه ۶۰۰ جلد دوم راجع باین موضوع اشاره میکند.

(۱) مجله پستی سال ۱۳۱۲ شماره ۶ و ۷ ص ۵۶ (۲) ایضا ص ۵۷

[3] E. Riedeier

(۳) ایضا مجله پستی شماره ۶ و ۷ صفحه ۵۸ (۴) جلد دوم ص ۶۰۰

[6] New Ferie

چنین مینویسد :

«بالاخره بوعده خود بعد از مدت مدیدی و فا نموده حال اطلاع میدهند که ایران دارای پست منظم شده است و ابد است در مدت اقامت خود در ایران سرو صورت و انتظام صحیح به آن بدهم حال تجربه کرده ام که صرف جد و جهد در این منظور و مقاومت با مشکلات بزرگ علاوه بر حصول نتیجه موجب خوشوقتی هم هست. بحمد الله تا اکنون نقصهایی هم در کار نبوده و از این حسن تصادف مشغوف هستم در یادداشت تابستان خود میخوانستم بگویم که در صدد تهیه تمبری هستم که در خود طهران فراهم شده و کاملاً محلی و ولایتی است و بادست ساخته میشود و مجبور هستم ابتدا آنها را باقیچی بریده سواکنم و بعد اطراف آنها با قلم تراش نقطه چینی نمایم و توفیق این اختراع را که یکی از لوازم کار است و در ایران بزحمت تهیه میشود پیدا کردم ولی در تمام مدت تابستان با انجام این قضیه مشغول و از رسیدگی های لازمی که باعث ترقی در سرویس و ازدیاد عایدات پستی بودم محروم ماندم از این جهت در آخر شوال (نوامبر) فقط مبلغ خیلی معادل ۸۰۰۰ فرانک توانستم برای اجرای پروژه خود ذخیره نمایم و با این وجه قلیل توکل بخدا کرده در شهر های شمال غربی ایران پست تأسیس نموده ام و نایب خود را که اروپائی بود بشهریز که یکی از بلاد معتبر تجارتنی مملکت شاهنشاهی ایران است مأمور کردم و در محرم ۱۲۹۴ يك سرویس مرتب هفتگی بین تبریز و طهران برقرار کردم حتی توانستم تا سرحد جلفا و انزلی که مجاور خاک و آب روسیه است امتداد بدهم .»

آقای ریبر در این مکتوب شرحی از اقدامات دیگر خود بیان میکند و پیداست که با چه مشکلات دست بگریبان بوده . در آخر مکتوب خود چنین مینویسد :

«قصدم دارم روابط پستی با اروپا ایجاد کنم و امید موفقیت هم دارم و دولتین روس و عثمانی هم در صدد عقد قرار داد پستی با ایران بر آمده اند ، منتظرم که روزی متن فرارداها را مسوده نمایم»^(۱)

چیزی که در اینجا قابل توجه است آن قسمت اخیر مراسله آقای ریندر است که میگوید قصد دارم روابط پستی با اروپا ایجاد نمایم و علاوه میکند که دولتین روس و عثمانی هم در صدد عقد قرار داد پستی با ایران هستند. سال بعد یعنی در سال ۱۲۹۵ هجری قمری ۱۸۷۷ میلادی ایران داخل در اتحادیه پستی اروپا گردید.

اما لرد کرزن در جلد دوم کتاب خود صفحه ۶۰۰ چنین مینویسد: هنگامیکه يك عده صاحب منصبان اطریشی در سال ۱۲۹۱ - ۱۸۷۴ با ایران آمدند که پست دولت ایران را منظم و اداره کنند روسها موانع بی شماری که غیر قابل تصور است برای آنها ایجاد نمودند و قتی که آنها موفق شدند از اینکه يك نظم و ترتیب به پست ایران بدهند و پیشنهاد نمودند که ممکن است ایران نیز داخل در اتحادیه پستی ممالک اروپا بشود روسها آنچه که در قوه داشتند بکار بردند که مانع از دخول ایران به اتحادیه پستی بشود این گفتار ناچه اندازه با حقیقت وفق میدهد مورد دقت است.

لرد کرزن راجع صاحب منصب پستی اطریشی که برای اداره کردن پست ایران آمده بود میگوید: در سال ۱۸۷۵ پست ایران يك صاحب منصب پستی اطریشی سپرده شد که تشکیلات آنرا مطابق پست خانه های اروپا بدهد در سال بعد (۱۸۷۶) این شخص که موسوم به ریندر بود بریاست پستخانه های ایران معین گردید.

در سال ۱۸۷۷ ایران بصورت اتحادیه پستی قبول شد و در همان سال هم خدمت آقای ریندر در پست ایران با آنها رسیده بوطن خود مراجعت کرد شغل او يك نفر روسی موسوم به اشتال^(۱) محول شد و يك نفر هم معاون برای او موسوم به ماندریاس معین گردید که بعدها بسمت مقرر کل پست ایران انتخاب شد اما این شخص پیش از چند ماه طول نکشید که معزول شد چونکه يك مراسله فرمانفرمای شیراز دست برده شده بود و برای همین پیش آمد از خدمت دولت معاف گردید سال بعد هم خود

(۱) A. F. stahl این شخص در مدت اقامت خود در ایران خدمات بسیار نیت بدولت ایران انجام داد معادن پرشماری کشف کرد اگر گزاره های او در دستگام دولت باقی مانده و از بین نرفته باشد بی اندازه قابل استفاده خواهند بود. راجع به کتب ایشان به کتاب ذیل مراجعه شود که در باب معادن ایران نوشته است:

اشتال معزول شده^(۱) .

یک موضوع دیگر اگرچنین موضوع مربوط به فصل جداگانه است ولی چون مربوط به تاریخ این ایام است ناچار باید بیک قسمت های آن اشاره نمود. آن پیدایش اعمال سیاسی و نظامی دولت روس است در سواحل شرقی بحر خزر .

اگر در خاطر ها مانده باشد در جلد اول این کتاب اشاره شد که در سال ۱۸۵۰ بین بوناپارت و پول اول روسیه قراردادی بسته شد که از راه اورنبرگ قشون متحد روس و فرانسه بطرف هندوستان عزیمت نمایند در این باب با دولت ایران آن عصر نیز داخل مذاکره شدند ولی مرگ پول اول^(۲) و جلوس الکساندر اول به تخت امپراطوری روس و اتحاد الکساندر با دولت انگلیس اجرای این نقشه را خنثی کرد ولی روسها در سالهای بعد به هیچ وقت از این فکر بیرون نبودند و خیلی هم سعی داشتند خودشان باراضی سیهون و جیهون برسانند جدیدت آنها بعد از جنگ کریمه شدت پیدا نمود بخصوص که انگلیسها در هندوستان بواسطه بروز انقلاب سیاهیان بومی هندوستان گرفتاری پیدا کردند .

اما روسها از این نیت تازه بودند بدون مانع پیش میرفتند تا اینکه کار بجائی رسید که طوائف قرقر، خانان ترکستان مانند کوکند بخارا و خیوه تماماً بدست قشون روسی مفتوح شد .

نقشه تمام این فتوحات این بود که از این راه خودشان را بکابل برسانند که در موقع خودستری به هندوستان داشته باشند و این اقدامات تا قبل از جنگ روس و عثمانی که در سال ۱۸۷۷ روی داد در کار بوده .

ولی روسها در موقع جنگ فوق الذکر که انگلیسها به حمایت دولت عثمانی در آمده بودند بخیال افتادند و مسائل آشکنی خیال اولیای امور لندن را از راه ترکستان فراهم آورند این بود که عدّه مأمورین سیاسی را چه سرأ و چه علناً مأمور نمودند در سرحدات افغانستان مشغول عملیات شوند و یک عدّه هم مأمور شدند تحقیقات دقیق بنمایند از اینکه

(۱) لر کردن جلد اول صفحه ۲۶۶ .

(۲) ماه مارس ۱۸۰۱

بچه وسیله میتوان بهسولت اسباب تهدید هندوستان دولت انگلیس را فراهم آورد! در این حین برخوردند بیک راه سهل و ساده که بمراتب بهتر از راه ترکستان و کابل بنظر میآمد و آن راه عبارت بوده از سواحل شرقی بحر خزر که از آن راه میتوانستند خودشان را تا پشت دروازه هرات برسانند و دروازه هندوستان را که عبارت از جلگه هرات باشد تصرف کنند.

من در فصل جداگانه با اقدامات روسها مفصلاً در این قسمت‌ها اشاره خواهم نمود فقط در این جا بطور مختصر اشاره میکنم که بعد از جنگ روس و عثمانی صلح ظاهری با انگلیسها در کنگره برلن، روسها در این قسمت‌ها با جدیت تمام مشغول عملیات شدند که بالطبع عملیات آنها با منافع دولت ایران نیز تصادم میکرد و در این باب مکاتبات زیاد بین دولتین روس و ایران در ویل شد که بالاخر منجر شد با ایجاد یک عهدنامه که موسوم بعهدنامه آخال و در سال ۱۲۹۹ هجری - ۱۸۸۱ میلادی برای تعیین حدود سرحدات برقرار و بامضاء نمایندگان طرفین رسید.

کنگره برلن در سال ۱۲۹۶ - ۱۸۷۸ پایان رسید نمایندگان انگلیس از برلن شاد و خرم بلندن مراجعت نمودند و برخورد میبایند که صلح با اقتضای انگلیسستان تحصیل نموده اند ولی اساس این صلح خیلی سست و پایه آن چندان استحکامی نداشت روسها از این موقع استفاده نموده قوای نظامی تحت فرماندهی جنرال لوماکین مأمور تأویب تراکمه آخال و قسمت‌های شرقی بحر خزر نمودند.

این لشکرکشی در ماههای اول بهار سال ۱۸۷۹ شروع گردید ولی این قشون در محل معروف به دنگل تپه در ماه سپتامبر همان شکست سخت خوردند این شکست طوری بود که تراکمه را جسور روسها را تاحدی مأیوس کرد.

در این تاریخ است که عده‌ای از مأمورین سیاسی دولت انگلیس در خراسان در قسمت‌های دره جز لطف آباد و قوچان مأموریت داشتند که از نزدیک عملیات روسها را تحت نظر بگیرند و یکی دو نفر اینها خیلی مهم بودند که من در فصل آینده از آنها صحبت خواهم کرد.

پس از شکست قشون جنرال لوماکین سردار دیگر روسها مأمور فتح این نواحی

گزدید سردار این دفعه جنرال اسکویلف بود که فتوحات نمایان نمود و طولی نکشید که در عالم اروپا معروف گردید .

با اینکه مأمورین سیاسی سری و علنی انگلیسها جداً از تراکمه حمایت میکردند و بآنها راه نمائی مینمودند جنرال اسکویلف با احتیاط و پیش بینی صحیح وسایل شکست تراکمه را فراهم آورد .

جنرال اسکویلف از طرف امپراطور روس دارای اختیارات تامه بوده که بهر وسیله و بهر راهی که شده نواحی شرقی بحر خزر را بتصرف خود آورد و تراکمه خود سر این قسمتها را تأدیپ کند .

اما این لشکر کشی در قسمت های شرقی بحر خزر با منافع ایران نیز تصادف مینمود اگر چه بنا بکفتار نویسنده های انگلیسی در وقت عبور شاه از تفلیس بفرمانفرمای قفقاز اجازه داده شده بود که تراکمه خود سر را که اسباب زحمت رهایای ایران و روسیه میشوند قشون روس تأدیپ کنند و دولت ایران نیز در این عملیات شرکت خواهد نمود . ولی روسها مایل بودند قبل از اینکه داخل عملیات جدید بشوند با دولت ایران نیز راجع بتعیین حدود سرحدی در قسمت های شرقی بحر خزر یک قرارداد قطعی برسند .

در زمان صدارت میرزا حسین خان سپهسالار مخصوصاً در سالهای ۱۸۷۹ و ۱۸۸۰ اعتراضات شدید بدولت روس شده بود چونکه روسها بدون توجه بمنافع دولت ایران مشغول اقدامات بودند .

دولت ایران همان طوری که برای تصرف هرات میکوشید که هرات یکی از شهرهای ایران است مرو را نیز متعلق بایران میدانست همیشه برای تصرف این دو نقطه جدیدت فراوان داشت ولی بواسطه دخالت انگلیسها در امور افغانستان بهر نحو بود هرات را از چنگ دولت ایران بیرون آوردند و بین خراسان و هرات جدائی افتاد از مرو نیز غفلت شد چونکه راه رفت و آمد قشون ایران به مرو از هرات و در امتداد ساحل رود مرغاب بود همینکه هرات از ایران هجری شد تراکمه آخال و مرو نیز جرئت و جسارت پیدا نموده نواحی خراسان را تاخت و تاز می کردند و برای دولت ایران هم میسر نبود از شرارت

تراکمه آنطور که باید و شاید جلوگیری کند این بود که پس از عزل میرزا حسین خان سپهسالار دولت ایران حاضر شد با روسها داخل مذاکره شود شاید بتواند باین وسیله از قتل و غارت اشرا تراکمه جلوگیری کند و برای همین مقصود بود که در اوایل سال ۱۲۹۹ ۱۸۸۱ معاهده موسوم به معاهده آخال و خراسان بین دولتین روس و ایران بسته شد اینک سواد آن در این جا نقل میشود :

قراردنامه مابین دولتین ایران و روس در باب تعیین حدود در طرف شرقی بحر خزر .
در طهران بتاريخ ۹ - ۲۱ دسامبر ۱۸۸۱ مطابق ۲۲ محرم ۱۲۹۹ منعقد و تصدیق نامیجات در ۱۱ - ۲۳ فوریه ۱۸۸۲ مبادله گردیده .

فهرست مندرجات

- فصل اول - خط سرحد بین الدولتین در طرف شرقی بحر خزر .
فصل دوم - تعیین کمیسیون بجهت ترسیم خط سرحدی و نصب علامات .
فصل سوم - شرایطی که بقلمیجات گرمابو گلکلاب راجع است .
فصل چهارم - تعهدات دولت راجع به رود فیروزه و بعضی رودها و انباری که ایالت ماوراء بحر خزر را مشروب میکند .
فصل پنجم - در باب احداث راه ابرو مابین خراسان و ایالت ماوراء بحر خزر .
فصل ششم - تعهد دولتین ایران و روس در باب تراکمه و منع ورود اسلحه .
فصل هفتم - در باب مأمورین روسی در سرحد ایران و امور راجعه بمشارالیهیم .
فصل هشتم - ابقای عهد نامیجات و قرار سابقه .
فصل نهم - تصدیق قراردادنامه .

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

چون اعلیحضرت شاهنشاه ایران و اعلیحضرت امپراطور کل ممالک روسیه لازم

که در طرف شرقی بحر خزر سرحد ممالک خود را از روی دقت معین کرده موجبات آسودگی و امنیت آنجاها را فراهم نمایند چنین صلاح دیدند که روی حصول این مقصود قراردادی منعقد دارند مهذا وزراء مختار خود را از این قرار معین داشتند .

از طرف اعلیحضرت شاهنشاه ایران سعیدخان مؤتمن الممالک وزیر امور خارجه و از طرف اعلیحضرت امپراطور کل ممالک روسیه ایوان زینوویف^(۱) وزیر مختار وایلچی مخصوص دزدربار دولت علیه و وزراء مختار مزبور از اینکه اختیار نامهای خود را مبادله نموده و آنرا موافق قاعده و مرتب به ترتیبات شایسته یافتند در فصول ذیل متفق الرأی شدند .

فصل اول - در طرف شرقی بحر خزر سرحد بین الممالک ایران و روس از قرار
تفصیل ذیل خواهد بود از خلیج حسینقلی الی چات سرحد بین الدولین به مجرای رود اترک است از چات خط سرحدی در سمت شمال شرقی قتل سلسله کوههای سنگوداغ و ساگریم را متابعت کرده و بعد در سمت شمال بطرف رود چندر متوجه شد و در چقان قلعه به بستر رود مزبور میرسد . از این جا در سمت شمال قتل کوههایی که فاصل دره چندر و دره سوهبار است متوجه شده و در سمت شرقی قتل کوههای مزبور را متابعت کرده و بعد بطرف بستر رودخانه سوهبار حرکت و در ملتقای رود مزبور با نهر آج آقایان فرود میآید . از این نقطه اخیر بطرف شرقی بستر رود سوهبار خط سرحد محسوب میشود الی خرابه‌های مسجد دادیافه الی قتل کوه گویت داغ خط سرحدی راهی است که به درون ممتد است پس از آن خط سرحدی در امتداد قتل مزبور بسوی جنوب شرقی حرکت میکند ولی نرسیده بانتهای تنگه گره‌باب بطرف جنوب برگشته و از سر کوه‌هایی که فاصل دره سوهبار و سرچشمه گره‌باب است گذشته و بعد متوجه بسوی جنوب شرقی شده از قتل کوه‌های میزنو و چوپابست عبور کرده راهی را که در گره‌باب برپا می‌رود در محلی ملاقات میکند که در یک ورستی شمال رباط است چون باین محل رسید خط سرحدی از قتل کوه‌ها الی قتل کوه دالانچه کشیده شده پس از آن از شمال قلعه خیر آباد گذشته و در سمت شمال شرقی الی حدود گوک گتل ممتد شده و از حدود گوک گتل به

درینند و فیروزه متوجه و دریند مزبور را در شمال ده فیروزه تقاطع میکند و از اینجا در سمت جنوبی شرقی متوجه بقلل کوهپائی میشود که از طرف جنوب وصل بدره است که راه عشق آباد و فیروزه از آن عبور میکند و پس از آنکه قلل کوهپای مزبور را الی اقصی نقطه شرقی متابعت نمود خط سرحدی به شمالی ترین قلعه کوه اسلام گذشته در سمت جنوب شرقی قلل این کوهها را طی کرده و بعد شمال قریباً کلمته چنار را دورزده بمحل اتصال کوهپای زیر کوه و قزل داغ میرسد ، از این جا خط سرحد در سمت جنوب شرقی از قلل سلسله زیر کوه کشیده میشود تا اینکه بدره رود بایا دورماز برسد بعد از وصول باین محل بطرف شمال حرکت کرده و داهی که از کورس الی لطف آباد ممتد است بجلگه میرسد بطوریکه قلعه بایا دورماز در شرق این خط واقع شود .

فصل دوم - چون در فصل اول این قرارداد نقاط عمده خط سرحدی بین متصرفات ایران و روس معین شده است طرفین معاهدین کمیسرهای مخصوص مأمور خواهند نمود که خط سرحد را در محلی بطور صحیح ترسیم کرده و علامات را نصب نمایند زمان و محل ملاقات کمیسرهای مزبور را طرفین معاهدین بالاتفاق معین خواهند نمود

فصل سوم - چون قلعیات **گرماب و قلقلاب** (۱) واقع در دره رودی که آبش اراضی ماوراء بحر خزر را مشروب میکند در شمال خطی واقع است که بموجب فصل اول سرحد بین متصرفات طرفین است دولت ایران متعهد میشود که قلاع مزبور را در طرف یکسال از تاریخ مبادله این قرار نامه تخلیه کند ولی دولت علیه حق خواهد داشت که در ظرف مدت مزبوره سکنه **گرماب و قلقلاب** را بمملکت خود مهاجرت دهد از طرف دیگر دولت روس منقبل میشود که در نقاط مزبوره استحکامات بنا نکرده و خانواده ترکمنی در آنجا سکنا ندهد .

فصل چهارم - چون منبع رود فیروزه و منابع بعضی رود و انباری که ایالت ماوراء بحر خزر متصله بسرحد ایران را مشروب میکند در خاک ایران واقع شد است دولت علیه متعهد میشود که بهیچوجه نگذارد که از منبع الی محل خروج از خاک ایران

(۱) این کلمه شاید گلکلاب یا گل کلاب باشد .

در امتداد رود وانهار مزبور قراعه جدیدی تأسیس شده و باراضی که بالفعل زراعت میشود توسعه داده شود و نیز برای اراضی که فعلاً در خاک ایمران مزروع است بیش از آن مقداری که لازم است نگذارد آب استعمال کنند .

محض اینکه این شرط بطور صحیح اجرا و بدون تعطیل و تعلل رعایت شود دولت ایران متقبل میشود که بقدر لزوم مأمورین صحیح برای این امر معین کند و بکسانی که از مدلول آن تخلف میورزند سیاست سخت دهد.

فصل پنجم - محض ترقی و پیشرفت مناسبات تجارتهی مابین ایالت‌ها و راه‌ها بحر خزر و ایالت خراسان طرفین معاهدین متقبل میشوند که دریاب ساختن راههای عرابه رو که برای مرادوات تجارت بین ایالات مذکوره مناسب بوده باشد حتی الامکان زودتر فیما بین قراری دهند که مستلزم نفع جاتین باشد .

فصل ششم - دولت ایران متعهد میشود که در تمام امتداد سرحد استرآباد و خراسان اخراج هر نوع اسلحه و آلات جنگی را از مملکت ایران بطور سخت ممنوع دارد و نیز تدبیرات لازمه را بعمل آورده نگذارد که به تراکمه که در خاک ایران ساکن هستند اسلحه برسد کلاً گذاران سرحدی دولت علیه دربارہ اشخاصی که از طرف روسیه مأموریت منع خروج اسلحه از حدود ایران دارند کمال مساعدت و همراهی را منظور خواهند داشت .

دولت روس هم متقبل میشود که نگذارد اسلحه و آلات جنگی از روسیه بتراکمه که در خاک ایران متوقفند برسد .

فصل هفتم - محض مراقبت اجرای شرایط این فرار داد و برای مواظبت حرکات و رفتار تراکمه که مجاور ایران هستند دولت روس حق خواهد داشت که بنقاط سرحد ایران مأمور معین کند مأمورین مزبور در مسائلی که راجع بحفظ انتظام و آسودگی صفحات مجاور متصرفات دولتهین است واسطه بین کلاً گذاران طرفین خواهند بود .

فصل هشتم - تمام تعهدات و شرایط مندرجه عهدنامهجات و قرارنامهاتی که مابین طرفین معظمین منعقد شده است بقوه خود باقی خواهد ماند .

فصل نهم - این قراردادنامه که بدو نسخه نوشته شد و بامضاء و مهر وزرای مختار طرفین رسیده است به تصویب و تصدیق اعلیحضرت شاهنشاه ایران و اعلیحضرت امپراطور روس خواهد رسید و تصدیق نامجبات در ظرف چهارماه و حتی الامکان زودتر در تهران مابین وزراء مختار طرفین مبادله خواهد شد .

در طهران ۹ دسامبر ۱۸۸۱ مطابق ۲۲ محرم ۱۲۹۹

امضی - ذی نوی یف .

« میرزا سعیدخان . (۱) »

از این عهد نامه پیدا است که در دربار ایران نفوذ دولت انگلیس پس از عزل میرزا حسین خان سپهسالار رو بضعف گذاشته رجال دیگری مصدر امور دولتی گردیده اند. چه با بودن میرزا حسین خان ممکن نبود يك چنین نزدیکی و تمایل بطرف روسها اظهار شود .

اگرچه با این قرارداد دولت ایران بحق حاکمیت خود بعمرو و تراکمه آن نواحی خاتمه داد ولی بواسطه این عمل يك فایده را برای ایالت خراسان تصور نمودند اینک که پس از این قرارداد تراکمه دست تعدی و تجاوز را بخواک خراسان دراز نخواهند کرد ، ولی این خود يك اشتباه بزرگ بود چونکه بعد از این قرارداد باز دست تعدی تراکمه از ایالت خراسان کوتاه نگردیده و تراکمه همان شیوه دیرینه خود را ترك نکرده و همیشه مزاحم سکنه ایالت خراسان بودند ضرر نزدیکی به روسها بمراتب بدتر از انگلیسها بود پس از عزل میرزا حسین خان ، ناصرالدین شاه مجدداً بخیال افتاد امور مملکتی را بین عدت تقسیم کند و آنها را وزراء مسئول لقب بدهد .

جزو وقایع سال ۱۲۹۹ هجری قمری مطابق سال ۱۸۸۱ میلادی در کتاب تاریخ منتظم ناصری دیده میشود اسامی این اشخاص باشغل هر يك نوشته شده است در آنجا مینویسد : « از ترتیبات جدید که با تأکیدات اکید ملوکانه در امور دولت مرتب و مؤکد شده این است که وزراء مسئول را از قرار تفصیل ذیل در مشاغل و اعمال خودشان مسئولیت

(۱) نقل از رساله عهدنامه ها صفحه ۱۴۷ تا صفحه ۱۵۲ ترجمه انگلیسی این قرارداد

در کتاب موسوم به «روس در آسیای مرکزی» تألیف لرد کرزن بطبع رسیده صفحه ۲۳۶ .

کلیه داده و حدود تکالیف آنها را معین فرموده ایشان را وزیرای مسئول خواندند .
 نایب السلطنه امیر کبیر وزیر جنگ جناب آقای مستوفی الممالک رئیس الوزراء و
 وزیر داخله و مالیه ، مؤتمن الملک میرزا سعید خان وزیر امور خارجه هشیر الدوله
 مدیر مجلس وزراء و وزیر وظایف و اوقاف و بستان ، نظام الملک وزیر دفتر لشکر ،
 نصیر الدوله وزیر فلاح و تجارت ، مخبر الدوله وزیر علوم و تکر افخانه و معادن ،
 میرزا قهرمان امین لشکر وزیر فواید عامه ، امین حضور وزیر بقایا جهات کبیر خان
 وزیر صنایع ، صنیع الدوله وزیر انطباعات و دارالترجمه خاصه .

از جمله انتخابات این سال حکومت سلطان مراد میرزا حسام السلطنه بایالت
 خراسان و سیستان است که همیشه میرزا حسین خان سپهسالار یا فرستادن او بخراسان
 مخالفت میکرد ولی این بار عمر این شاهزاده کفاف نکرد که بتواند در این موقع خدمتی
 بنماید در دوم جمادی الاول همین سال بر حمت ایزدی پیوست . ۱۲۹۹ (۱)

فصل چهل ونهم

عمال سیاسی و نظامی دولت امپراطوری در ممالک آسیای مرکزی - اقدامات دولت امپراطوری روس - کتب زیادی در باب ممالک آسیای مرکزی نوشته شده است - روسها همیشه يك عده جاسوسان مجرب و آزموده در این ممالک داشتند - کنل استولیتوف مأمور کابل میشود - کنل گرودیکوف مأمور هرات میشود - دکتر یاشینو بطور سری و محرمانه مأمور هندوستان میشود - اقدامات هر يك از این مأمورین - اقدامات کنل استولیتوف مأمور کابل - اشاره بامیر شیرعلیخان و اقدامات او در اتحاد روس و افغان - جریان مذاکرات برای این اتحاد - کنگره برلن از این اتحاد روس و افغان جلوگیری کرد - اشاره بتصمیمات کنگره برلن - اشاره باوضاع سیاسی انگلستان - شکست کابینه محافظه کار انگلیس و برقراری کابینه لیبرال - صحنه جهانگیری انگلیس از آسیای مرکزی بوادی نیل عوض میشود - روسها از گرفتاری دولت لیبرال انگلیس در مصر استفاده میکنند و در ترکستان پیش میروند - مر و در تصرف روسها - با تصرف مر و روسها بچند فرسنگی هرات میرسند - تحریک افغانها - جنگ افغان و روس - تلفات سنگین افغانها - تسلیت لرد دفرین فرمانفرمای هندوستان بامیر عبدالرحمن خان.

تا انسان داخل در تحقیقات يك موضوع نشده است نمیداند نویسدگان دیگر و محققین خارجی چه تحقیقات بلیغ کرده و چه مطالعات عمیق نموده اند. موضوع ممالک آسیای مرکزی نیز یکی از آن موضوعاتی است که در اطراف آن کتب زیاد نوشته شده است چه عمال سیاسی دولت انگلیس و چه عمال سیاسی و نظامی دولت روس گاهگاهی

هم محققین و سیاحان فرانسه و آلمان گاهی هم بعضی از محققین و سیاحان سایر ملل هر يك، يك یا دو و اغلب شده چندین جلد کتاب در باب این ممالک نوشته‌اند که برای مطالعه آنها اقلاً چندین سال وقت لازم دارد. در صورتیکه تحصیل آنها بسهولت انجام شود.

گاهی میشود اسناد و مدارک بقدری زیاد و خارج از حساب است که اهل تحقیق و مطالعه سردرگم شده مدتی در انتخاب آنها معطل میشود.

برای ممالک آسیای مرکزی در نیمه آخر قرن نوزدهم بقدری کتاب در زبانهای مختلف نوشته شده است که میتوان گفت در هیچ موضوع در این مدت محدود این اندازه کتاب نوشته نشده است.

فهرست این کتابها را از ذکر زن در کتاب معروف خود موسوم به روس در آسیای مرکزی در چندین صفحه شرح داده است و قسمت زیادی از آنها در زبان روسی است که دست رسی بد آنها خالی از اشکال نیست و عده زیادی هم از آنها بزبان انگلیسی است. عموماً نویسندگان این کتابها رجال سیاسی و نظامی بودند و آنها نیز بزحمت پیدا میشود بهر حال نویسندگانی این موضوع دست رسی بتمام آنها نداشته ولی يك عده مختصری که میشد بدست آورد مراجعه نموده است و مطالب این فصل اقتباس از عده آنها است.

دولت امپراطوری نیز مانند دولت انگلیس همیشه يك عده اشخاص مجرب و آزموده سیاسی و نظامی که از تاریخ، جغرافی و نقشه برداری اطلاعی هم داشته باشند با اطراف و نواحی ممالک دور و نزدیک آسیا میفرستاد که تحقیقات لازم را تا حد امکان انجام دهند.

هنگامیکه روسها در نزدیکی استامبول قشون ترکها را در سال ۱۸۲۷ درهم شکستند انگلیسها برای حفظ منافع خودشان و سیاستی را که تعقیب میکردند خود را طرفدار دولت عثمانی معرفی نمودند و يك عده کشتی جنگی با بهای استامبول روانه کردند دو تنین آلمان و اطریش را هم بوسیله سدر اعظم‌های آن دو دولت جلب نموده به روسها فشار آوردند، در نتیجه این مخالفت‌ها بود که روسها در همان اوقات تصمیم

گرفتند اسباب ناراحتی خیال انگلیسها را بواسطه تحریک امیر شیرعلی با اعزام یکمده
مأمورین سیاسی بکابل و هرات و سرحد هندوستان فراهم آوردند . (۱)

در این تاریخ است که یک توطئه بزرگی برای برهم زدن اوضاع سرحدات
هندوستان از طرف روسها تهیه میشود کلنل استولیتوف (۲) مأمور میشود از راه تاشکند
بکابل رود که افغانستان را بر علیه انگلیسها بشوراند، کلنل کرودیوکوف (۳) مأمور
میشود عازم هرات گردد آن نواحی را نقشه برداری کند . دکتر پاشینو (۴) با یک
اعتبار فوق العاده عالی از راه پشاور و کابل سرآ به هندوستان برود و بعد از انجام مأموریت
خود در کابل به کلنل استولیتوف ملحق شود .

البته این دو نفر نظامی فوق الذکر نماینده رسمی دولت امپراطوری روس بودند
و هر یک مأموریت رسمی و علنی داشتند و هر کس هم آنها را میشناخت ولی دکتر پاشینو
مأمور سیاسی محرمانه بود و از ردیف آنها خارج است و با یک عنوان جداگانه سری
حرکت مینمود بدون اینکه کسی از قصد او اطلاع داشته باشد .

این شخص یک آدم مرموز فوق العاده زیرک و باهوش و در فن جاسوسی ید طولایی
داشت چون با اغلب زبانهای شرقی آشنائی داشت دولت روس او را در سال ۱۸۶۱ میلادی
مأمور ایران نمود و هیچ بعید نبوده که با و امبری معروف که در این تاریخ در لباس
درویشی در ایران میزیست ملاقات کرده است .

در سال ۱۸۶۶ موقعیکه روسها در ترکستان پیش رفته به متصرفات خودشان توسعه
دادند دکتر پاشینو را وزیر امور خارجه دولت امپراطوری روس مأمور تاشکند نمود و
کمی بعد هنگامیکه امیر عبدالرحمن خان از امیر شیرعلی شکست خورده و بسمرقند
رفت دولت روس هم پاشینو را مأمور نمود دنبال عبدالرحمن خان بسمرقند رود در آنجا
بسمت مترجمی امیر فوق الذکر معین شد .

[1] Reconnoitring in Central asia . By C. Marvin . p. 252

[2] Colonel Stolietoff .

[3] Colonel Crodekoff .

[4] Dr . pashino .

پاشینو جزو سوانح و سرگذشت های خود مینویسد : در این تاریخ من بگانه کسی بودم که در تمام ترکستان بزبان امیر عبدالرحمن آشنا بودم و میتوانستم مترجم ایشان باشم مقصودی که امیر داشت، میبایست بوسیله من ابلاغ شود و بهیچ کسی هم باندازه من نزدیک و اعتماد نداشت، بین ما بگانهگی کامل برقرار بود این شخص بعدها در خدمت فرمانفرمای ترکستان جنرال کلفمن ، ترقی فوقالعاده نمود، و همیشه طرف اعتماد فرمانفرمای ترکستان بود و جزو مشاورین سیاسی او بشمار میرفت.

در سال ۱۸۷۳ در آن اوقات که قشون روس بطرف خیوه در حرکت بود پاشینو همراه عازم هندوستان گردید و آن نواحی را خوب گردش کرد ولی چه کسی خرج سفر او را داده و مقصود از این مسافرت چه بوده بر کسی معلوم نیست ولی در سال بعد یعنی در مسافرت دوم او به هندوستان متخرج سفر او را الکساندر سوم امپراطور روس داد که در آنوقت ولیعهد الکساندر دوم امپراطور روس بود.

دکتر پاشینو این بار نیز مسافرت خود را بدون سوءاتفاقی انجام داده از هندوستان مستقیماً بایران رفت پس از چندی توقف از ایران به پترزبورغ برگشت.

در سال ۱۸۷۵ سفر سوم را به هندوستان شروع نمود و از اینجا به مملکت برما (۱) رفت و از پادشاه آن محل دیدن کرد، و شاه در ضمن مذاکرات خود از انگلیسها بسیار بدگفت و از رفتار آنها شکایت زیاد نمود.

این بار پاشینو موقعی به پترزبورغ رسید که دولت روس بدولت عثمان اعلان جنگ داده بود انگلیسها بحمايت عثمانی درآمده اسباب زحمت روسها را فراهم می نمودند در این موقع است که بر حسب پیشنهاد جنرال اسکوبلف، دکتر پاشینو بطور محرمانه مأمور میشود که نزد یکی از پادشاهان بومی هندوستان رفته او را بر علیه انگلستان بشوراند.

چارلز ماروین که این داستا را بخوبی ضبط نموده است در این مورد مینویسد:
«خوشبختانه در این موقع ها انگلیسها مأمورین لایقی در سرحدات پیشاور داشتیم که

میتوانست تمیز بدهد که اقدامات این مرد هر موز چگونه باید باشد. این بود که از عبور پاشینو که خیال داشت از تنگه خیمبر عبور نموده خود را بکابل برساند جلوگیری نمودند هر چه فریاد زد که او فقط يك مسافر ساده است که از او ممانعت نشود کسی گوش نداد خلاصه هر چه کوشید قبول نیافت و اولیای امور سملا نیز با اقدامات مأمورین پیشاور موافقت نمودند او را به هندوستان راه ندادند.»

ماروین گوید: «در این ربع اخیر قرن حاضر روسها عنه زیادی مأمورین بهندوستان فرستادمانند ولی هیچ يك کتابی در این باب بیرون نداده است اما پاشینو مقالات زیادی بجزایرد فرستاده لیکن کتابی در این باب ننوشته است ولی روسها باقوال مأمورین خودشان بیشتر اعتماد دارند تا بنویسندگان انگلیس که در باب هندوستان چیزی نوشته اند.»

پاشینو مجبور بود از راه دیگر مراجعت کند، وقتی باستامبول رسید که روسها خاک عثمانی را ترک میکردند و کنگره برلن به مناقشات دو تین روس و انگلیس خاتمه داده بود.

پس از این جنگ انگلیسها و افغانها شروع گردید امیر شیرعلی از کابل حرکت کرده در مزار شریف وفات کرد انگلیسها امیر یعقوبخان را با عارت افغانستان برقرار نموده جنگ و نزاع با معاهده گندمک خاتمه یافت ولی هنوز مرکب این معاهده خشک نشده بود که افغانها نماینده سیاسی انگلیسها را در کابل کشتند. این بود که فرمانفرمای هندوستان دو مرتبه با افغانستان قشون کشید و جنگهای خونین روی داد که شرح آن گذشت. در این موقع است که باز از پاشینو معروف صحبت بمیان میآید امیر اطور روس او را احضار میکند که حضوراً اوضاع افغانستان را از زبان پاشینو بشنود.

پس از این تاریخ دیگر سوانح عمر پاشینو چندان قابل توجه نیست از ذکر آن صرف نظر میشود.

اما مأموریت کلنل کروودیکوف بهرات - روسها آرزو میکردند در يك میدان

وسیع غیر از دریا با قشون انگلیسی روبرو شوند^(۱) و پیش بینی میکردند يك روزی این تصادم در سرحدات افغانستان یا پیشاور اتفاق خواهد افتاد. و میکوشیدند چنین جنگی پیش آید ولی انگلیسها کامل تر و ماهر تر از آنها بودند و مقام خودشان را در سرحدات هندوستان بهتر تمیز میدادند و روس انگلیسها تنها از روسها نبود بلکه در داخله هندوستان نیز یکمده زیادی ناراضی داشتند هر گاه يك چنین جنگی بین روسها و انگلیسها در سرحدات هندوستان پیش می آمد عاقبت آن بنفع انگلستان تمام نمیشد این بود که هر چه روسها در این قسمت تحرکات مینمودند انگلیسها اقدام متقابل را در دربار های اروپا بر میداشتند و در آنجا مسا بهتر میتوانستند اسباب تهدید روسها را فراهم آورند که از دسایس آنها در سرحدات هندوستان جلوگیری شود و از این راه هم موفق میشدند.

باز هم در این موقع که بین دولتین روس و انگلیس فوق العاده تیره بود روسها یکی از آن عملیات مؤثری که برای وحشت انگلیسها لازم بود اقدام کردند و آن فرستادن کرودیکوف بهرات بود در آن اوقات که ارکن حرب اردوی فاتح امپراطوری روس در پشت دیوارهای استامبول متوقف بودند کلنل کرودیکوف را مأمور افغانستان نمودند اول پتاشکنند برود در آنجا جنرال کافمن فرمانفرمای ترکستان قرار مسافرت او را پس حدمات هندوستان مخصوصاً بهرات بدهد که در آن نواحی تحقیقات محلی و جغرافیائی نموده از راه شمالی که به بحر خزر برسد مراجعت نماید.

چارلز ماروین که ناقل این داستان است مینویسد: «هنگامیکه کلنل کرودیکوف پتاشکنند رسید در آنجا مشاهده نمود که در میان تمام دوایر کشوری ولشگری يك هیجان فوق العاده مشهود است از اینکه دولت روس خیال تسخیر هندوستان را دارد و قشونها مستعد حرکت بطرف سرحدات هندوستان میباشند.»

(۱) شاید هم هیچ وقت این تصادم رخ ندهد چونکه انگلیسها مالدات روس را خوب ببشنامند و در جنگ کریمه در سال ۱۸۵۴ میلادی با آنها روبرو شده اند و بروحیه آنها خوب آشنا هستند همیشه آلمانها جنگ انگلیس را با روس انجام داده اند حال امید وار است آمریکا انجام بدهد.

ماروین میگوید: «مسافرت کلنل کروودیکوف را بهرات دکتر واورسکی^(۱) طبیب مخصوص هیئت اعزامی که بکابل رفته بود و در روزهای اخیر زندگانی امیر شیرعلی هم طبیب او بود و قادم واپسین در بالین او بوده است، بایک طرز جالب توجهی شرح میدهد مینویسد: «قشون امپراطوری روس در تاشکند در یک حال وجد و نشاط بودند چونکه صور مینمودند عنقریب بقشون انگلستان در هند حمله خواهند کرد تمام صاحب منعبان دیگر هیچ یک تردیدی نداشتند از اینکه باتفاق قشون افغانستان و یا پیش آمدهای انقلابات داخلی در خود هندوستان بطور قطع و یقین انگلیسها را از هندوستان اخراج خواهند نمود.»^(۲)

کلنل کروودیکوف با قشون مأمور حمله هندوستان حرکت نمود تا نقطه سرحدی موسوم به چام رفتند و قشون در این محل متوقف گردید خود کلنل بایکصد اسکورت و یک مترجم، یک هزار و دوست میل راه را سواره از میان ایلیات و طوایف سرحدی عبور نموده بدون اینکه تغییر لباس بدهد و یا اینکه مأموریت خود را پنهان کند بهرات رفته مراجعت نمود.

کلنل کروودیکوف از راه بغارا حرکت نموده از جیحون عبور کرده در اواسط اکتبر ۱۸۷۸ از سرحد قلمرو امپراطور روس گذشته داخل خاک افغانستان گردید. ایشیک آفاسی امیر شیرعلی موسوم به شاهنواز خان با یک عده نظامی شب قبل وارد این محل شده بودند در اولین ملاقات با افغانها واقعه رخ داده که تا حدی برای کلنل ناگوار بود.

واقعه ناگوار از این قرار بوده: در داخله سرحد افغانستان که شاهنواز خان کلنل را ملاقات نمود تقاضا کرد داخل چادر شده کمی استراحت کنند کلنل گوید «ما بطرف چادر حرکت نمودیم در آنجا دو چادر برپا نموده بودند من جلو میرفتم همینکه خواستم داخل یکی از آن چادر ها بشوم فراولیکه در جلو آن ایستاده بود یک مرتبه شمشیر خود را طرف سر من حواله نمود من قوری عقب کشیدم معلوم شد در آن چادر

(1) Dr Vavorsky

(2) Reconnoitring In Central Asia' P. 270.

حبسی است و نباید کسی داخل آن چادر بشود شاهنوازخان از این پیش آمد خجل شده بآن مستحفظ حمله کرد و از من معذرت خواست ولی تفسیر از شاهنوازخان بوده آن مرد تفسیر نداشت و بوظیفه خود عمل نموده بود. و شاهنوازخان می بایست قبلاً این را پیش بینی کرده باشد و مرا بمحلی که منظور بوده هدایت کند.

از سرحد افغانستان تا مزار شریف به مأمورین روس خوش نگذشت مأمورین افغانی با نظر کینه و دشمنی بروسها نگاه میکردند در مزار شریف نیز حاکم آنجا خوشدلقان از رفتن آنها بهذر اینکه باید از امیر شیرعلیخان اجازه مخصوص برسد ممانعت کرد قریب ده روز در این محل متوقف بودند تا اینکه قاصد مخصوص از امیر رسید و امر شده بود مأمورین دولت روس را معزوم محترم دارند و آنها را بکابل هدایت کنند و تمام آنها مهمان میباشند پس از این دستور دیگر رفتار افغانها خیلی خوب شد و کلنل همجا محترم بود.

کلنل کروودیکوف در ۲۹ اکتبر بطرف هرات حرکت نمود و این مسافرت قریب ۱۸ روز طول کشید.

در این تاریخ تراکه تمام این راهها را غارت میکردند مخصوصاً راه میمند تا هرات خیلی ترسناک بود بهمین دلیل افغانها ۳۰۹ نفر سواره برای حفاظت کلنل روس همراه کردند چونکه در این مسافرت پیدا بود که راهها تماماً از ترکستان روس تا تواجی هرات از شرارت طوایف ناامن و اسباب خطر جانی و مالی فراهم بود.

در هرات پذیرائی شایانی از کلنل کروودیکوف بعمل آمد حاکم آنجا فوق العاده مساعد و همراه بود و همراهان او در هرات چندی راحت و آزاد بودند مینویسد:
 «من از وقتیکه از سرحد گذشتهام تا امروز مانند این بود که مزیک نفر محبوس هستم ولی حال خود و کسان خود را آزاد میبینم.»

راجع بشهر هرات مینویسد. «هرات یک شهر بزرگی است و بزرگتر از تاشکند است پنجاه هزار نفر سکنه دارد در میان شهرهای خراسان و آسیای مرکزی، هرات با بناهای آن بعد از شهر مشهد اول شهر است اطراف شهر یک حصاری است ۳۲ فدع ارتفاع و دور آن نیز خندق کنده شده است نقاط دفاعی خارجی دیگر وجود ندارد و سایل

دفاعی آن مانند وسائل دفاع شهرهای اروپا نیست با حالت فعلی که دارد نمیتواند در مقابل قشون اروپائی مقاومت کند. در يك ميلي شهر محل مرتفعی است که از اینجا میتوان شهر را گلوله باران کرد ولی شهر هرات از نقطه نظر سوق الجیشی محل معتبر شناخته شده است.

در مدت توقف ۳ روزه کلنل کروودیکوف در هرات همه نوع وسایل گردش و سیاحت و تماشا برای روسها بود و آزادانه در هر کجا که مایل بودند گردش مینمودند. اطلاعاتی که کروودیکوف از هرات داده است بسیار جامع میباشد چونکه پنج سال بود که از اروپائیها کسی قدم در آن شهر نگذاشته بود و بعد از او هم قریب پنجسال طول کشید تا يك اروپائی دیگر توانست از دروازه هرات داخل شود.

ماروین مینوبسد: کلنل کروودیکوف از هرات بساحل شرقی بحر خزر مراجعت نمود درست از همان راهی عبور کرد که وامبری معروف و کاپیتان مازش نظامی انگلیسی و کلنل بیکر مأمور مخصوص انگلستان و کلنل مکگریگور عبور کردند.

کلنل کروودیکوف در اوایل دسامبر ۱۸۷۸ با سترآباد رسید و از آنجا به پترزبورغ رفت و برای زحماتی که متحمل شده بود مورد توجه مخصوص واقع گردید و در این هنگام موضوع اختلافات دولتین روس و انگلیس در کنگره برلین رفع و نظاهراً صلح حکمفرما شده بود. (۱)

در سال ۱۸۸۵ که جنرال اسکوبلف مأمور شد میان تراکمه رفته شکست جنرال لوماکین را انتقام بکشد کلنل کروودیکوف نیز همراه ایشان در این مسافرت بوده که آن يك داستان جداگانه است.

اما مأموریت سیاسی جنرال استولیتوف (۲) بکابل :

شرح این مأموریت را عده زیادی از نویسندگان انگلیسی نوشته اند از آن جمله جنرال رابرتس معروف که در تاریخ هندوستان به لرد رابرتس قندهار معروف است و

(۱) در سال ۱۸۷۹ کتاب مسافرت کروودیکوف موسوم به مسافرت بهرات منتشر شد و بزبان انگلیسی ترجمه گردید. کتاب ماروین موسوم به جاسوسی در آسیای مرکزی صفحه ۲۸۹

عنقریب دلیل دارا شدن این لقب را در ضمن وقایع ایام عبدالرحمن خان شرح خواهد داد .

لرد رابرتس در جلد دوم تاریخ زندگانی خود موسوم به چهل و یک سال در هندوستان از صفحه ۱۵۹ راجع به ورود و اقدامات جنرال استولینوف شرح میدهد و مینویسد : « در سال ۱۸۷۷ که دولت امپراطوری روس بدولت عثمانی اعلان جنگ داد قریب یکسال بود که جنگ بین دو دولت فوق الذکر در کار بود و دولت انگلستان مشاهده نمود که مبادا در پایان این جنگ دولت انگلیس نیز در این جنگ شرکت کند و چنین صلاح دید که از قشون هندوستان امداد بطلبد بنا بر این دستور داد پنج - هزار نفر از قشونهای بومی هندوستان از بمبئی حرکت نموده بجزیره مالت بروند که در موقع احتیاج بتواند از وجود آنها در محل های نزدیک استفاده کند .

همینکه دولت امپراطوری روس از این واقعه مطلع گردید برای اینکه آن دولت نیز در مقابل اقدام نموده باشد او هم بعملیات خود در آسیای مرکزی توسعه داد و پیشتر جدیت نمود .

در ماه جون ۱۸۷۸ ماژور کلاواگناری^(۱) کمیسر عالی پیشاور بفرمانفرمای هندوستان اطلاع میدهد که عنقریب يك نماینده عالی رتبه که مقام فرمانفرمای تاشکند را داشته است برای مأموریت مخصوص بکابل وارد خواهد شد. و فرمانفرمای ترکستان ، جنرال کلتمن در مراسله مخصوص بامیر کابل نوشته است که این نماینده مخصوص را باید با احترامات فوق العاده پذیرائی کنند و مثل يك نماینده رسمی که از جانب امپراطور کل ممالک روسیه این مأموریت را دارا است مورد احترام واقع شود .

پس از چند روز راپرت دیگر از کمیسر عالی پیشاور رسید که دولت روس در کنار رود جیحون مشغول تهیه يك اردوی مکملی است .

مینویسد : « امیر کابل پس از دریافت این اطلاعات فوراً سران مملکت خود را احضار و با آنها مشورت نمود که در این موقع چه باید بشود آیا صلاح مملکت افغانستان در این هست که با روسها همراه باشند و یا اینکه با دولت انگلستان طرح دوستی و اتحاد

[1] Major Cavagnary ,

بریزند؟ نتیجه مشورت این شد که با دولت روس اعتماد کنند، بنا براین امر شد از نماینده روس که وارد خاک افغانستان میشود پذیرائی کامل بکنند این است که از ساعتیکه جنرال استولیتوف وارد خاک مملکت افغان شد همه جا با احترام تمام پذیرائی کردند و قتیکه به نزدیک کابل رسید پنج میل بشهرمانده وزیر امور خارجه افغانستان از او استقبال کرد و روی یک فیل سوار نموده با جلال و شکوه تمام وارد کابل نمودند و در عمارت بالا حصار ورود دادند.

در همانروز که جنرال استولیتوف وارد کابل شد یک مراسله از جنرال کافمن^(۱) فرمانفرمای ترکستان برای او رسید که در آن خلاصه قرارداد کنگره برلن را شرح داده بود و در ضمن نوشته بود اگر این خیر صحیح باشد نهایت درجه نأسف آو راست، و علاوه نموده بود که کنگره برلن جلسات خود را با تمام پرسیا و ماسا و لازماست که از مذاکرات با امیر کابل مواظب باشد که سندی با امیر سیارد که دولت امپراوری روس را ملزم نماید از اینکه باید با امیر افغانستان مساعدت کند از این مراسله معلوم بود که کنگره این کار خود را انجام داده دیگر روسها نمیتوانستند با امیر افغانستان مساعدت کنند.

نتیجه معاهده کنگره برلن هرچه بود انگلیسها از آن خوشحال و خرم بودند برعکس روسها دیگر نتوانستند در امور افغانستان دخالت کنند، من در موقع دیگر بمواد معاهده برلن اشاره خواهم نمود در اینجا فقط کافی است بگویم کنگره برلن مقدرات افغانستان را بدست انگلستان سپرد و همینکه این خبر به جنرال استولیتوف در کابل رسید دیگر نتوانست با امیر شیرعلی جداً داخل در عقد اتحاد شود بهر ترتیبی بود یک قرارداد دفاعی و تعرضی کشدار تهیه نموده بدون اینکه قرار قطعی باین اتحاد بدهد در اواخر سپتامبر سال ۱۸۷۸ از کابل حرکت نمود ولی معاون خود کلنل روزگونوف^(۲) را در کابل باقی گذاشت که خانمه این بازی را تماشا کند.

در ماه نوامبر آنسال انگلستان با افغانستان اعلان جنگ داد چند روز بعد قلعه علی مسجد بدست قشون انگلیس افتاد در دوم دسامبر لرد رابرتس کتل پیوار را متصرف

[1] General Kauffmann

[2] Colonel Rozgonoff